



تحلیل الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی در مواجهه با بحران‌های اجتماعی معاصر بر پایه داده‌کاوی تفسیری آیات ابتلاء و مقایسه آن با شاخص‌های روان‌شناختی تاب‌آوری

نسترن صمصام خایانی^{۱*}

۱- کارشناسی ارشد الهیات گرایش علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور قم، ایران. ایمیل: Samsam.nastaran@gmail.com

* نویسنده مسئول

چکیده

گسترش بحران‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر، از همه‌گیری بیماری‌ها و تنش‌های اقتصادی گرفته تا تحولات فرهنگی، مهاجرت، جنگ و آسیب‌های اجتماعی، اهمیت شناسایی سازوکارهای مؤثر در افزایش تاب‌آوری انسان را بیش از گذشته آشکار ساخته است. اگرچه روان‌شناسی معاصر مدل‌های متعددی برای تبیین تاب‌آوری ارائه کرده است، اما ظرفیت‌های معرفتی قرآن کریم در تبیین الگوی جامع تاب‌آوری معنوی هنوز به صورت نظام‌مند و مبتنی بر تحلیل داده‌های تفسیری بررسی نشده است. پژوهش حاضر با هدف استخراج الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی از رهگذر تحلیل آیات ابتلاء و مقایسه آن با شاخص‌های پذیرفته‌شده روان‌شناختی انجام شد. پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش، پژوهشی کیفی با رویکرد تحلیل مضمون و داده‌کاوی تفسیری است. جامعه پژوهش شامل آیات مرتبط با ابتلاء، صبر، توکل، رجاء، خوف، شکر، استقامت و نصرت الهی در قرآن کریم و نیز تفاسیر معتبر اسلامی بود. داده‌ها پس از شناسایی، کدگذاری باز، محوری و انتخابی، در قالب شبکه‌ای از مؤلفه‌های مفهومی سازمان‌دهی شدند و سپس با شاخص‌های شناخته‌شده تاب‌آوری در روان‌شناسی تطبیق یافتند. یافته‌های پژوهش نشان داد که الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی دارای ساختاری چندلایه است که از چهار سطح شناختی، عاطفی، رفتاری و غایت‌شناختی تشکیل می‌شود. در این الگو، باور به حکمت الهی، معنابخشی به رنج، اعتماد به وعده‌های الهی، خودکنترلی، امید فعال، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و پایداری اخلاقی، عناصر اصلی تاب‌آوری را تشکیل می‌دهند. مقایسه این مؤلفه‌ها با شاخص‌های روان‌شناختی نشان داد که بخش قابل توجهی از ابعاد شناختی و هیجانی در هر دو الگو مشترک است، اما الگوی قرآنی با افزودن مؤلفه‌هایی همچون غایت‌مندی ابتلاء، پیوند با مبدأ متعال، نقش وحی در بازسازی شناخت و مسئولیت اجتماعی مبتنی بر ایمان، چارچوبی جامع‌تر برای تبیین تاب‌آوری ارائه می‌دهد. نتایج پژوهش می‌تواند در طراحی الگوهای بومی ارتقای سلامت روان، آموزش‌های دینی، سیاست‌گذاری فرهنگی و مداخلات روان‌شناختی مبتنی بر معنویت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد و زمینه توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای میان علوم قرآن، الهیات و روان‌شناسی را فراهم سازد.

کلمات کلیدی: تاب‌آوری معنوی؛ ابتلاء؛ علوم قرآن؛ داده‌کاوی تفسیری؛ روان‌شناسی تاب‌آوری

Quranic Analysis of the Spiritual Resilience Model in Confronting Contemporary Social Crises Based on Interpretive Data Mining of the Verses of Trial and Its Comparison with Psychological Resilience Indicators

Nastaran Samsam Khaiyani^{1,*}

1- Master of Theology, Quran and Hadith Sciences, Payam Noor University of Qom, Iran. Email: Samsam.nastaran@gmail.com

* Corresponding Author

Abstract

The increasing prevalence of social crises including pandemics, economic instability, armed conflicts, migration, and cultural transformations has highlighted the importance of resilience as a fundamental human capacity. Although contemporary psychology has developed several theoretical models explaining resilience, the Holy Quran offers a comprehensive spiritual framework that has not yet been systematically analyzed through interpretive data mining. The present study aimed to identify the Quranic model of spiritual resilience through thematic analysis of verses concerning divine trials and to compare its conceptual components with established psychological resilience indicators. This applied qualitative study employed thematic analysis and interpretive data mining. The research corpus consisted of Quranic verses related to trial, patience, trust in God, gratitude, hope, perseverance, and divine support together with authoritative Islamic commentaries. Following open, axial, and selective coding, the extracted concepts were organized into an integrated conceptual framework and comparatively analyzed against contemporary psychological resilience models. The findings indicate that the Quranic model of spiritual resilience comprises four interconnected dimensions including cognitive, emotional, behavioral, and teleological domains. Central components include belief in divine wisdom, meaning-making of suffering, trust in divine promises, self-regulation, active hope, social responsibility, and ethical perseverance. Comparative analysis revealed substantial overlap with modern psychological resilience constructs while demonstrating that the Quran uniquely emphasizes transcendental purpose, revelation-based cognitive reconstruction, and faith-centered social responsibility. The proposed model provides a comprehensive indigenous framework applicable to psychological interventions, religious education, cultural policymaking, and the development of spiritually integrated mental health programs. Furthermore, it contributes to interdisciplinary dialogue between Quranic studies, theology, and contemporary psychology.

Keywords: Spiritual Resilience; Divine Trial; Quranic Studies; Interpretive Data Mining; Psychological Resilience

مقدمه

در دهه‌های اخیر، جوامع انسانی با طیف گسترده‌ای از بحران‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بهداشتی مواجه شده‌اند که ابعاد مختلف حیات فردی و جمعی را تحت تأثیر قرار داده است. گسترش بیماری‌های فراگیر، افزایش تعارضات اجتماعی، مهاجرت‌های اجباری، نابرابری‌های اقتصادی، تغییرات سریع فرهنگی و رشد آسیب‌های اجتماعی، ظرفیت سازگاری انسان را در معرض آزمون‌های مستمر قرار داده است. در چنین شرایطی، مفهوم «تاب‌آوری» به یکی از مهم‌ترین موضوعات پژوهشی در علوم انسانی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم تربیتی و مطالعات سلامت تبدیل شده است. تاب‌آوری دیگر صرفاً به معنای بازگشت به وضعیت پیش از بحران نیست، بلکه توانایی انسان برای معنابخشی به تجربه‌های دشوار، حفظ انسجام روانی، بازسازی ظرفیت‌های فردی و اجتماعی و حتی دستیابی به رشد پس از بحران را نیز در بر می‌گیرد. از این‌رو، بسیاری از پژوهشگران، تاب‌آوری را یکی از مؤلفه‌های بنیادین سلامت روان و پایداری اجتماعی در جهان معاصر دانسته‌اند. [6] مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهد که تاب‌آوری پدیده‌ای تک‌بعدی نیست، بلکه از مجموعه‌ای از عوامل شناختی، هیجانی، رفتاری، خانوادگی، اجتماعی و فرهنگی تشکیل می‌شود. در این رویکرد، ویژگی‌هایی نظیر خودکارآمدی، انعطاف‌پذیری شناختی، تنظیم هیجان، امید، خوش‌بینی، حمایت اجتماعی و توانایی حل مسئله، از مهم‌ترین مؤلفه‌های تاب‌آوری محسوب می‌شوند. بر همین اساس، ابزارهای استاندارد برای سنجش این سازه طراحی شده است که از شناخته‌شده‌ترین آن‌ها می‌توان به مقیاس کانر و دیویدسون و مقیاس مختصر تاب‌آوری اشاره کرد. این ابزارها تلاش کرده‌اند شاخص‌های قابل اندازه‌گیری برای ارزیابی توانایی افراد در سازگاری با شرایط دشوار ارائه دهند و در پژوهش‌های متعدد، اعتبار و پایایی آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته است [3، 4].

با وجود پیشرفت‌های چشمگیر روان‌شناسی در تبیین سازوکارهای تاب‌آوری، بخش قابل توجهی از این الگوها بر عوامل درون‌فردی یا محیطی تمرکز دارند و کمتر به نقش نظام‌های معنایی، باورهای دینی و جهان‌بینی الهی در بازسازی روانی انسان پرداخته‌اند. در حالی که در بسیاری از جوامع، به‌ویژه جوامع اسلامی، دین یکی از مهم‌ترین منابع معنا، امید، آرامش و سامان‌بخشی به رفتار فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی دین نیز نشان داده‌اند که باورهای دینی و معنویت می‌توانند در کاهش آثار منفی بحران‌ها، افزایش سازگاری روان‌شناختی، تقویت امید و ارتقای سلامت روان نقش مؤثری ایفا کنند. از این منظر، دین نه تنها مجموعه‌ای از اعتقادات فردی، بلکه نظامی معرفتی برای تفسیر رویدادهای زندگی و مواجهه با دشواری‌ها محسوب می‌شود. [5] در میان منابع دینی، قرآن کریم تصویری منسجم از نسبت انسان، جهان و رنج ارائه می‌دهد. در این کتاب آسمانی، رخدادهای دشوار زندگی غالباً در قالب مفهوم «ابتلاء» تبیین شده‌اند؛ مفهومی که صرفاً به معنای تحمل سختی نیست، بلکه فرایندی هدفمند برای آشکار شدن ظرفیت‌های وجودی انسان، رشد اخلاقی، تکامل معرفتی و تعالی معنوی تلقی می‌شود. بر اساس این نگرش، بحران‌ها نه رویدادهایی بی‌هدف، بلکه بخشی از سنت‌های الهی در نظام آفرینش هستند که می‌توانند زمینه شکوفایی فضایل انسانی را فراهم آورند. به همین دلیل، آیات مرتبط با ابتلاء همواره با مفاهیمی همچون صبر، توکل، شکر، تقوا، استقامت، امید، نصرت الهی و رحمت همراه شده‌اند و شبکه‌ای معنایی را شکل می‌دهند که می‌تواند به عنوان یک الگوی جامع برای فهم تاب‌آوری معنوی مورد مطالعه قرار گیرد [1].

در مطالعات قرآنی، بررسی مفهوم ابتلاء غالباً با رویکردهای تفسیری، کلامی یا اخلاقی انجام شده است و هر یک از این مطالعات بخشی از ابعاد این مفهوم را روشن ساخته‌اند. در مقابل، پژوهش‌های حوزه روان‌شناسی بیشتر بر سنجش تجربی تاب‌آوری و شناسایی عوامل مؤثر بر آن تمرکز داشته‌اند. در نتیجه، میان این دو حوزه دانشی شکافی قابل توجه وجود دارد؛ به گونه‌ای که هنوز چارچوبی منسجم برای تطبیق نظام مفهومی قرآن با شاخص‌های علمی تاب‌آوری ارائه نشده است. این خلأ پژوهشی، ضرورت بهره‌گیری از رویکردهای میان‌رشته‌ای را بیش از پیش آشکار می‌سازد؛ رویکردی که بتواند ضمن حفظ اصالت مفاهیم قرآنی، امکان مقایسه نظام‌مند آن‌ها را با دستاوردهای علوم رفتاری فراهم آورد. [2] در سال‌های اخیر، توسعه روش‌های تحلیل مضمون، تحلیل شبکه مفهومی و داده‌کاوی متنی، ظرفیت‌های جدیدی برای مطالعه متون دینی ایجاد کرده است. این روش‌ها امکان استخراج الگوهای مفهومی از حجم گسترده‌ای از داده‌های متنی را فراهم می‌کنند و می‌توانند روابط میان مفاهیم، فراوانی آن‌ها، هم‌رخدادی واژگان و ساختار شبکه‌های معنایی را با دقت بیشتری آشکار سازند. استفاده از چنین روش‌هایی در مطالعات علوم قرآن، این امکان را فراهم می‌کند که آیات مرتبط با ابتلاء نه به صورت منفرد، بلکه به عنوان اجزای یک نظام معرفتی منسجم مورد تحلیل قرار گیرند و پیوندهای میان مؤلفه‌های مختلف تاب‌آوری معنوی به شکل دقیق‌تری تبیین شود [1]. [6]

بررسی آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که مفهوم ابتلاء یکی از فراگیرترین مفاهیم مرتبط با حیات انسانی است و دامنه آن تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را در بر می‌گیرد. ابتلاء در منطق قرآن تنها به رخداد‌های ناگوار محدود نمی‌شود، بلکه نعمت‌ها، موفقیت‌ها، مسئولیت‌های اجتماعی، قدرت، ثروت و حتی علم نیز می‌توانند ابزار آزمون الهی باشند. این نگرش، تصویری متفاوت از بحران ارائه می‌کند؛ بدین معنا که بحران نه صرفاً عامل اختلال در زندگی، بلکه فرصتی برای آشکار شدن ظرفیت‌های وجودی انسان، اصلاح نگرش‌ها، بازسازی هویت و ارتقای مراتب معنوی تلقی می‌شود. از این منظر، مواجهه انسان با دشواری‌ها زمانی به تاب‌آوری منجر می‌شود که فرد بتواند میان رویداد بیرونی و نظام معنایی درونی خود ارتباطی هدفمند برقرار کند. تحلیل این ارتباط، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های مطالعات میان‌رشته‌ای میان علوم قرآن و روان‌شناسی معاصر به شمار می‌آید. [1] در روان‌شناسی نوین نیز طی دو دهه گذشته، نگاه به تاب‌آوری دستخوش تحول اساسی شده است. در نظریه‌های اولیه، تاب‌آوری بیشتر به عنوان یک ویژگی نسبتاً پایدار شخصیتی تلقی می‌شد، اما رویکردهای جدید آن را فرایندی پویا، چندبعدی و وابسته به تعامل مستمر فرد با محیط می‌دانند. بر اساس این دیدگاه، تاب‌آوری حاصل برهم‌کنش عوامل زیستی، شناختی، هیجانی، خانوادگی، فرهنگی و اجتماعی است و نمی‌توان آن را تنها به ویژگی‌های فردی تقلیل داد. همین تحول نظری سبب شده است که پژوهشگران بیش از گذشته به نقش منابع فرهنگی و دینی در تقویت سازگاری انسان توجه کنند و معنویت را یکی از عوامل مؤثر در افزایش ظرفیت مقابله با شرایط دشوار بدانند [6]. [7]

یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های الگوی قرآنی با بسیاری از الگوهای رایج روان‌شناسی، نوع نگاه به منشأ معنا در تجربه بحران است. در بسیاری از نظریه‌های روان‌شناختی، معنا عمدتاً محصول بازسازی شناختی فرد یا تفسیر شخصی او از رویدادهای زندگی است؛ در حالی که در قرآن کریم، معنا از پیوند انسان با نظام حکیمانه آفرینش و باور به علم، قدرت و رحمت الهی سرچشمه می‌گیرد. بر این اساس، صبر، توکل، شکر، استغفار، دعا، امید به رحمت الهی و اعتماد به وعده‌های الهی، تنها واکنش‌های هیجانی محسوب نمی‌شوند، بلکه عناصر یک نظام معرفتی هستند که ادراک انسان از بحران را دگرگون می‌کنند. در نتیجه، تاب‌آوری در این چارچوب صرفاً به تحمل فشارهای روانی محدود نیست، بلکه به بازسازی نگرش، اصلاح رفتار، حفظ مسئولیت اجتماعی و استمرار حرکت تکاملی انسان منتهی می‌شود. [2] از سوی دیگر، مفهوم «تاب‌آوری معنوی» در سال‌های اخیر جایگاه ویژه‌ای در مطالعات سلامت روان پیدا کرده است. پژوهشگران این حوزه بر این باورند که اعتقادات دینی و معنوی می‌توانند در کاهش اضطراب، افزایش امید، تقویت احساس کنترل، ارتقای کیفیت زندگی و بهبود سازگاری با بحران‌ها نقش مؤثری ایفا کنند. در این رویکرد، معنویت به عنوان یکی از منابع تولید معنا، ایجاد آرامش و حفظ انسجام روانی معرفی می‌شود. با این حال، اغلب مطالعات موجود در این زمینه با تکیه بر الگوهای عمومی معنویت انجام شده‌اند و کمتر به استخراج نظام‌مند مؤلفه‌های تاب‌آوری از متن قرآن کریم پرداخته‌اند. بنابراین، هنوز چارچوبی که بتواند به صورت هم‌زمان از ظرفیت تفاسیر قرآن و شاخص‌های علمی روان‌شناسی بهره‌گیرد، به اندازه کافی توسعه نیافته است. [5]

تحلیل داده‌های متنی قرآن با استفاده از روش‌های نوین پژوهش کیفی، امکان عبور از مطالعه‌های توصیفی و حرکت به سوی مدل‌سازی مفهومی را فراهم می‌کند. در این رویکرد، آیات مرتبط با یک موضوع به عنوان مجموعه‌ای از داده‌های مرتبط مورد بررسی قرار می‌گیرند و پس از فرایند کدگذاری، مضامین اصلی، ارتباط میان مفاهیم و ساختار شبکه معنایی استخراج می‌شود. این شیوه پژوهش ضمن حفظ اصالت متن قرآن، امکان ارائه الگوهای نظری جدید را نیز فراهم می‌آورد و زمینه مناسبی برای مقایسه یافته‌های علوم اسلامی با نظریه‌های معاصر ایجاد می‌کند. از این منظر، داده‌کاوی تفسیری نه صرفاً یک ابزار فنی، بلکه روشی نظام‌مند برای کشف روابط مفهومی میان آیات و ارائه مدل‌های تبیینی در مطالعات علوم قرآن محسوب می‌شود. [1] از منظر روش‌شناختی نیز ترکیب تحلیل مضمون با مطالعه تطبیقی شاخص‌های روان‌شناختی، این امکان را فراهم می‌آورد که مؤلفه‌های استخراج‌شده از قرآن با ابعاد شناخته‌شده تاب‌آوری، از جمله انعطاف‌پذیری شناختی، امید، خودتنظیمی، توانایی سازگاری، پایداری در برابر فشارهای روانی و بازگشت به تعادل پس از بحران مقایسه شوند. چنین مقایسه‌ای علاوه بر آشکار ساختن نقاط اشتراک، می‌تواند ابعاد اختصاصی الگوی قرآنی را نیز مشخص سازد؛ ابعادی که در بسیاری از نظریه‌های رایج کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند، مانند هدفمندی ابتلاء، پیوند رنج با رشد معنوی، مسئولیت اخلاقی در شرایط بحران و نقش ایمان در حفظ انسجام فردی و اجتماعی [3]. [4]

بر همین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از تحلیل نظام‌مند آیات مرتبط با ابتلاء و استفاده از روش داده‌کاوی تفسیری، مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری معنوی را استخراج و در قالب یک الگوی مفهومی سازمان‌دهی کند. سپس این الگو با شاخص‌های پذیرفته‌شده روان‌شناختی تاب‌آوری مورد مقایسه قرار می‌گیرد تا میزان هم‌پوشانی، تفاوت‌ها و ظرفیت‌های تکمیلی آن مشخص شود. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند ضمن گسترش ادبیات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و روان‌شناسی، زمینه طراحی الگوهای بومی برای ارتقای سلامت روان، آموزش‌های دینی، مشاوره مبتنی بر معنویت و سیاست‌گذاری فرهنگی در جوامع اسلامی را فراهم آورد.

گسترش مطالعات میان‌رشته‌ای در دهه‌های اخیر نشان داده است که بسیاری از مسائل پیچیده انسانی را نمی‌توان تنها از منظر یک رشته علمی تحلیل کرد. بحران‌های اجتماعی نیز از جمله پدیده‌هایی هستند که ابعاد روان‌شناختی، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اخلاقی آن‌ها به شدت در هم تنیده است. از این‌رو، بررسی سازوکارهای مقابله با بحران مستلزم بهره‌گیری هم‌زمان از ظرفیت علوم انسانی، مطالعات دینی و یافته‌های علوم رفتاری است. علوم قرآن، به عنوان یکی از شاخه‌های مهم الهیات اسلامی، ظرفیت بالایی برای ارائه الگوهای نظری در زمینه رفتار انسان در شرایط دشوار دارد؛ زیرا بخش قابل توجهی از آیات قرآن به تبیین سنت‌های الهی در زندگی انسان، فلسفه رنج، شیوه مواجهه با سختی‌ها و عوامل دستیابی به آرامش و پایداری اختصاص یافته است. با وجود این ظرفیت، هنوز بخش عمده‌ای از پژوهش‌های قرآنی در قالب مطالعات توصیفی یا تفسیری سنتی باقی مانده و کمتر به تولید مدل‌های مفهومی قابل مقایسه با نظریه‌های معاصر پرداخته‌اند. [1] از سوی دیگر، پژوهش‌های روان‌شناسی تاب‌آوری طی سال‌های اخیر از مرحله شناسایی ویژگی‌های فردی عبور کرده و به سوی مطالعه نظام‌های حمایتی، فرهنگ، معنویت و عوامل محیطی حرکت کرده‌اند. در این رویکرد، انسان موجودی منفک از محیط تلقی نمی‌شود، بلکه توانایی سازگاری او نتیجه تعامل مستمر میان ویژگی‌های فردی، شبکه‌های اجتماعی، نظام ارزشی، فرهنگ و منابع معنوی است. این تحول نظری سبب شده است که بسیاری از پژوهشگران، نقش دین و باورهای معنوی را در شکل‌گیری تاب‌آوری مورد توجه قرار دهند و از مفهوم «تاب‌آوری مبتنی بر معنا» به عنوان یکی از محورهای اصلی مطالعات جدید یاد کنند. با این حال، در اغلب این پژوهش‌ها، معنویت بیشتر در قالب یک تجربه فردی بررسی شده و کمتر به نظام مفهومی قرآن کریم به عنوان یک چارچوب معرفتی مستقل توجه شده است [5]، [6].

یکی از ویژگی‌های ممتاز قرآن کریم، ارائه مجموعه‌ای هماهنگ از مفاهیم مرتبط با بحران است. مفاهیمی همچون ابتلاء، فتنه، صبر، یقین، توکل، تقوا، شکر، دعا، رحمت، سکینه، نصرت الهی و حسن عاقبت، هر یک بخشی از نظام معنایی قرآن را تشکیل می‌دهند، اما در عین حال با یکدیگر ارتباط ساختاری دارند. تحلیل این ارتباط‌ها نشان می‌دهد که قرآن، فرایند مواجهه انسان با دشواری‌ها را نه به صورت مجموعه‌ای از توصیه‌های پراکنده، بلکه در قالب یک نظام منسجم تربیتی و معرفتی سامان داده است. بنابراین، مطالعه این مفاهیم به صورت شبکه‌ای، می‌تواند زمینه استخراج الگویی فراهم سازد که فراتر از تحلیل‌های موضوعی متداول بوده و قابلیت مقایسه با الگوهای علمی معاصر را نیز داشته باشد. [2]

در سال‌های اخیر، بهره‌گیری از روش‌های تحلیل داده‌های کیفی در مطالعات علوم اسلامی، افق‌های جدیدی را برای فهم متون دینی گشوده است. داده‌کاوی تفسیری، تحلیل مضمون، تحلیل شبکه مفهومی و کدگذاری نظام‌مند، از جمله روش‌هایی هستند که امکان سازمان‌دهی حجم گسترده‌ای از داده‌های متنی را فراهم می‌کنند. استفاده از این روش‌ها موجب می‌شود پژوهشگر بتواند بدون فاصله گرفتن از متن اصلی قرآن و تفاسیر معتبر، روابط میان مفاهیم را با رویکردی نظام‌مند استخراج کرده و از توصیف صرف به مرحله مدل‌سازی نظری برسد. این تحول روش‌شناختی، یکی از مهم‌ترین زمینه‌های توسعه پژوهش‌های علوم قرآن در سال‌های اخیر محسوب می‌شود و امکان گفت‌وگوی علمی میان الهیات و سایر رشته‌های علوم انسانی را افزایش می‌دهد. [1] از منظر کاربردی نیز، طراحی یک الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی می‌تواند در حوزه‌های مختلف مورد استفاده قرار گیرد. در نظام آموزش عالی، این الگو می‌تواند مبنایی برای تدوین محتوای آموزشی در رشته‌های الهیات، مشاوره، روان‌شناسی و مطالعات فرهنگی باشد. در حوزه سلامت روان، استخراج مؤلفه‌های قرآنی تاب‌آوری می‌تواند به طراحی برنامه‌های مداخله‌ای مبتنی بر فرهنگ اسلامی کمک کند. همچنین در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی، شناسایی عوامل مؤثر بر افزایش ظرفیت معنوی جامعه در برابر بحران‌ها، زمینه تدوین برنامه‌هایی را فراهم می‌آورد که علاوه بر کاهش آسیب‌های روانی، سرمایه اجتماعی، همبستگی فرهنگی و امید جمعی را نیز تقویت کند. بدین ترتیب، نتایج چنین پژوهشی صرفاً محدود به مباحث نظری نخواهد بود، بلکه قابلیت بهره‌برداری در حوزه‌های اجرایی و سیاست‌گذاری را نیز خواهد داشت. [7]

با وجود اهمیت موضوع، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که اکثر مطالعات موجود یا بر تحلیل مفاهیم قرآنی بدون مقایسه با شاخص‌های روان‌شناختی تمرکز داشته‌اند یا به بررسی تاب‌آوری از منظر روان‌شناسی پرداخته‌اند، بدون آنکه نظام مفهومی قرآن را به صورت مستقل تحلیل کنند. همچنین در پژوهش‌های موجود، استفاده از داده‌کاوی تفسیری برای استخراج ساختار مفهومی آیات ابتلاء بسیار محدود بوده و کمتر پژوهشی تلاش کرده است مؤلفه‌های استخراج‌شده را در قالب یک مدل نظری منسجم ارائه کند. از این‌رو، خلأ موجود نه تنها در سطح موضوع، بلکه در سطح روش‌شناسی و نحوه تلفیق دو حوزه معرفتی نیز قابل مشاهده است. این خلأ، ضرورت انجام پژوهشی با رویکرد میان‌رشته‌ای را آشکار می‌سازد.

نوآوری پژوهش حاضر در آن است که به جای بررسی جداگانه مفاهیم صبر، توکل یا ابتلاء، تلاش می‌کند شبکه ارتباطی این مفاهیم را در چارچوب یک الگوی جامع تحلیل کند و سپس آن را با شاخص‌های معتبر روان‌شناختی تاب‌آوری مقایسه نماید. بدین ترتیب، خروجی پژوهش

صرفاً توصیف مفاهیم قرآنی نخواهد بود، بلکه مدلی مفهومی ارائه خواهد شد که قابلیت استفاده در مطالعات نظری، آموزش دانشگاهی، پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و حتی طراحی برنامه‌های ارتقای سلامت روان مبتنی بر فرهنگ اسلامی را داراست. این ویژگی، پژوهش حاضر را از بسیاری از مطالعات پیشین متمایز می‌سازد و زمینه تولید دانش بومی در حوزه الهیات و علوم رفتاری را فراهم می‌آورد.

تحلیل نظام‌مند متون دینی زمانی می‌تواند در تولید دانش میان‌رشته‌ای نقش‌آفرین باشد که مفاهیم قرآنی از سطح توصیف فراتر رفته و در قالب الگوهای نظری قابل آزمون و مقایسه بازسازی شوند. در علوم قرآن، طی سال‌های گذشته پژوهش‌های ارزشمندی درباره مفاهیمی همچون ابتلاء، صبر، توکل، شکر، تقوا و امید انجام شده است، اما این مفاهیم غالباً به صورت مستقل مطالعه شده‌اند. در حالی که ساختار درونی قرآن نشان می‌دهد این مفاهیم در یک منظومه معرفتی واحد قرار دارند و هر یک در تعامل با دیگری معنا پیدا می‌کند. به بیان دیگر، فهم دقیق تاب‌آوری معنوی تنها با مطالعه یک مفهوم امکان‌پذیر نیست، بلکه مستلزم شناخت شبکه ارتباطی میان مجموعه‌ای از مفاهیم قرآنی است که در فرآیند مواجهه انسان با دشواری‌ها نقش‌آفرینی می‌کنند. این ویژگی، استفاده از روش‌های تحلیل شبکه مفهومی و داده‌کاوی تفسیری را به ضرورتی روش‌شناختی تبدیل می‌کند، زیرا این رویکردها امکان مطالعه هم‌زمان روابط میان مفاهیم را فراهم می‌آورند و تصویری جامع‌تر از نظام معنایی قرآن ارائه می‌دهند. [1] در مقابل، مدل‌های رایج روان‌شناسی تاب‌آوری عمدتاً بر سنجش ظرفیت فرد برای بازگشت به تعادل پس از تجربه رویدادهای تنش‌زا متمرکز هستند. هرچند این مدل‌ها در تبیین بسیاری از ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری موفق بوده‌اند، اما در توضیح نقش جهان‌بینی، غایت زندگی، ارتباط با خداوند و معناشناسی رنج، ظرفیت محدودی دارند. این در حالی است که در سنت معرفتی اسلام، بحران صرفاً رخدادی آسیب‌زا تلقی نمی‌شود، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز رشد معرفتی، اصلاح اخلاقی و ارتقای مراتب انسانی باشد. از این منظر، شاخص موفقیت انسان تنها کاهش فشار روانی یا بازگشت به وضعیت پیشین نیست، بلکه تحول در نگرش، تعمیق ایمان، اصلاح رفتار و افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز بخشی از پیامدهای مطلوب مواجهه با ابتلاء محسوب می‌شود [2]، [5]

از سوی دیگر، شرایط اجتماعی معاصر اهمیت این نوع مطالعات را دوچندان کرده است. جوامع امروزی با بحران‌هایی روبه‌رو هستند که بسیاری از آن‌ها دارای ماهیتی ترکیبی و چندبعدی‌اند. پیامدهای روانی همه‌گیری بیماری‌ها، گسترش ناامنی‌های اقتصادی، افزایش احساس بی‌ثباتی اجتماعی، تحولات سریع فناوری، تغییر الگوهای ارتباطی و تضعیف برخی از منابع سنتی حمایت اجتماعی، همگی بر کیفیت زندگی انسان تأثیر گذاشته‌اند. در چنین فضایی، صرف اتکا به راهبردهای فردمحور برای افزایش تاب‌آوری کافی به نظر نمی‌رسد و نیاز به الگوهایی احساس می‌شود که علاوه بر توانمندسازی فرد، بتوانند منابع معنوی، فرهنگی و اجتماعی را نیز در فرآیند سازگاری فعال سازند. این مسئله به‌ویژه در جوامعی که دین یکی از مؤلفه‌های اصلی هویت فرهنگی آن‌هاست، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. [6] پژوهش حاضر بر این مبنا طراحی شده است که آیات مرتبط با ابتلاء، تنها بیان‌کننده مجموعه‌ای از توصیه‌های اخلاقی نیستند، بلکه ساختاری منظم از مؤلفه‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و ارزشی را در اختیار پژوهشگر قرار می‌دهند. استخراج این مؤلفه‌ها و سازمان‌دهی آن‌ها در قالب یک مدل مفهومی، می‌تواند تصویری روشن از سازوکار تاب‌آوری معنوی در قرآن ارائه دهد. سپس مقایسه این مدل با شاخص‌های پذیرفته‌شده روان‌شناختی، امکان شناسایی نقاط همگرایی و تمایز دو رویکرد را فراهم خواهد ساخت. این مقایسه نه با هدف برتری دادن یک حوزه بر حوزه دیگر، بلکه برای تبیین ظرفیت‌های تکمیلی هر دو رویکرد و توسعه ادبیات میان‌رشته‌ای انجام می‌شود.

از منظر روش‌شناسی نیز، پژوهش حاضر تلاش می‌کند میان روش‌های متداول علوم قرآن و روش‌های نوین تحلیل داده‌های کیفی پیوند برقرار کند. در این چارچوب، آیات مرتبط با ابتلاء و مفاهیم وابسته، پس از گردآوری و مطالعه تفسیری، بر اساس فرآیند کدگذاری باز، محوری و انتخابی تحلیل می‌شوند و روابط میان مضامین استخراج‌شده در قالب یک الگوی مفهومی سازمان می‌یابند. در ادامه، این الگو با مؤلفه‌های مطرح در ادبیات روان‌شناسی تاب‌آوری تطبیق داده خواهد شد تا ظرفیت تبیینی هر یک از ابعاد آن مشخص شود. چنین رویکردی علاوه بر حفظ اصالت متن قرآن، امکان گفت‌وگوی علمی میان الهیات و روان‌شناسی را نیز تقویت می‌کند [1]، [6]

بر این اساس، مقاله حاضر در پی پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که آیا می‌توان از طریق تحلیل نظام‌مند آیات ابتلاء، الگویی منسجم از تاب‌آوری معنوی استخراج کرد که ضمن برخورداری از انسجام درون‌دینی، قابلیت مقایسه با شاخص‌های معتبر روان‌شناختی را نیز داشته باشد؟ پاسخ به این پرسش می‌تواند گامی در جهت توسعه نظریه‌پردازی بومی در حوزه علوم قرآن، ارتقای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و فراهم‌سازی مبانی علمی برای طراحی الگوهای آموزشی، فرهنگی و مشاوره‌ای مبتنی بر آموزه‌های قرآنی باشد. از این رو، در ادامه مقاله، پس از تبیین مسئله پژوهش، روش تحقیق، فرآیند تحلیل داده‌های تفسیری، یافته‌های پژوهش و مدل پیشنهادی تاب‌آوری معنوی به تفصیل ارائه خواهد شد.

بیان مساله

افزایش فراوانی و پیچیدگی بحران‌های اجتماعی در جهان معاصر، توجه پژوهشگران علوم انسانی را به شناسایی عوامل مؤثر بر حفظ تعادل روانی و اجتماعی انسان معطوف کرده است. رخدادهایی مانند همه‌گیری بیماری‌های فراگیر، ناپایداری‌های اقتصادی، گسترش آسیب‌های اجتماعی، افزایش فشارهای روانی، مهاجرت، تغییرات فرهنگی و کاهش انسجام اجتماعی، نشان داده‌اند که توانایی انسان در مواجهه با شرایط دشوار، تنها به

امکانات مادی یا مهارت‌های فردی وابسته نیست، بلکه نظام‌های معنایی، باورهای ارزشی و جهان‌بینی افراد نیز در کیفیت سازگاری آنان نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند. به همین دلیل، مفهوم تاب‌آوری در سال‌های اخیر از یک سازه صرفاً روان‌شناختی فراتر رفته و به موضوعی میان‌رشته‌ای در حوزه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی و الهیات تبدیل شده است. [6] در حوزه علوم قرآن نیز مفهوم ابتلاء یکی از بنیادی‌ترین مفاهیمی است که به تبیین رابطه انسان با دشواری‌های زندگی می‌پردازد. قرآن کریم، ابتلاء را صرفاً رخدادی ناخوشایند یا عاملی برای رنج انسان معرفی نمی‌کند، بلکه آن را بخشی از سنت‌های الهی در فرآیند رشد، پالایش، تربیت و شکوفایی استعدادهای انسانی می‌داند. از این منظر، واکنش انسان در برابر بحران، نه تنها پیامدهای روان‌شناختی، بلکه آثار معرفتی، اخلاقی و اجتماعی نیز به همراه دارد. بنابراین، انتظار می‌رود مجموعه آیات مرتبط با ابتلاء، ظرفیت ارائه الگویی جامع برای تبیین تاب‌آوری معنوی را داشته باشد؛ الگویی که بتواند ابعاد مختلف مواجهه انسان با بحران را در یک چارچوب منسجم توضیح دهد [1]، [2]

با وجود این ظرفیت، بررسی ادبیات پژوهش نشان می‌دهد که مطالعات انجام‌شده در دو حوزه علوم قرآن و روان‌شناسی غالباً به صورت مستقل پیش رفته‌اند. پژوهش‌های قرآنی بیشتر بر تفسیر مفاهیم دینی، بررسی واژگانی یا تحلیل اخلاقی آیات تمرکز داشته‌اند و کمتر تلاش کرده‌اند این مفاهیم را در قالب مدل‌های نظری قابل مقایسه با علوم رفتاری سازمان‌دهی کنند. در مقابل، پژوهش‌های روان‌شناسی تاب‌آوری عمدتاً بر عوامل شناختی، هیجانی، رفتاری و محیطی تأکید داشته‌اند و نقش ساختارهای معرفتی برگرفته از متن قرآن را به صورت مستقیم مورد بررسی قرار نداده‌اند. در نتیجه، هنوز چارچوبی که بتواند با استفاده از روش‌های نظام‌مند، مؤلفه‌های تاب‌آوری معنوی را از متن قرآن استخراج کرده و آن‌ها را با شاخص‌های علمی روان‌شناسی تطبیق دهد، به اندازه کافی توسعه نیافته است [5]، [7] یکی دیگر از خلأهای موجود، به روش تحقیق بازمی‌گردد. بخش قابل توجهی از مطالعات علوم قرآن با رویکردهای توصیفی یا تحلیل موضوعی انجام شده‌اند؛ در حالی که روش‌های نوین تحلیل داده‌های کیفی، به‌ویژه داده‌کاوی تفسیری، تحلیل مضمون و کدگذاری مفهومی، امکان استخراج ساختارهای منظم از داده‌های متنی را فراهم می‌کنند. بهره‌گیری از این روش‌ها می‌تواند روابط میان مفاهیم قرآنی همچون ابتلاء، صبر، توکل، امید، شکر، تقوا و نصرت الهی را در قالب یک شبکه مفهومی آشکار سازد و زمینه ارائه مدلی علمی از تاب‌آوری معنوی را فراهم آورد. فقدان چنین مدل‌هایی موجب شده است که بسیاری از ظرفیت‌های کاربردی آموزه‌های قرآنی در حوزه سلامت روان، مشاوره، آموزش و سیاست‌گذاری فرهنگی، همچنان به صورت پراکنده باقی بماند و امکان بهره‌گیری نظام‌مند از آن‌ها فراهم نشود [1].

بر این اساس، مسئله اصلی پژوهش حاضر آن است که آیا می‌توان با استفاده از داده‌کاوی تفسیری آیات مرتبط با ابتلاء، مؤلفه‌های بنیادین تاب‌آوری معنوی را استخراج و در قالب یک الگوی مفهومی منسجم سازمان‌دهی کرد و سپس این الگو را با شاخص‌های پذیرفته‌شده روان‌شناختی تاب‌آوری مقایسه نمود؟ همچنین این پژوهش در پی آن است که مشخص کند الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی در چه مؤلفه‌هایی با نظریه‌های روان‌شناختی هم‌پوشانی دارد و در چه ابعادی ظرفیت‌های معرفتی و کاربردی جدیدی ارائه می‌دهد. پاسخ به این پرسش‌ها می‌تواند علاوه بر توسعه ادبیات میان‌رشته‌ای علوم قرآن و الهیات، زمینه طراحی الگوهای بومی برای ارتقای سلامت روان، آموزش‌های دینی، مشاوره مبتنی بر معنویت و برنامه‌ریزی فرهنگی را فراهم سازد و افق‌های جدیدی را در مطالعات کاربردی علوم قرآن بگشاید.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، پژوهشی کیفی با رویکرد میان‌رشته‌ای است که از ظرفیت‌های علوم قرآن، الهیات و روان‌شناسی بهره می‌گیرد. راهبرد اصلی پژوهش، تحلیل مضمون مبتنی بر داده‌کاوی تفسیری است. در این رویکرد، متن قرآن کریم به عنوان منبع اصلی داده‌ها در نظر گرفته شده و آیات مرتبط با مفهوم ابتلاء و مفاهیم هم‌پیوند با آن، پس از مطالعه در بستر تفاسیر معتبر، کدگذاری و تحلیل شده‌اند. در مرحله نهایی، مؤلفه‌های استخراج‌شده با شاخص‌های پذیرفته‌شده تاب‌آوری در روان‌شناسی مقایسه شده‌اند تا میزان همگرایی و تمایز میان دو حوزه مشخص شود. این شیوه پژوهش، علاوه بر حفظ اصالت متن قرآن، امکان ارائه الگویی مفهومی و قابل تحلیل را فراهم می‌آورد و از توصیف صرف مفاهیم فراتر می‌رود [1]، [6]

ماهیت میان‌رشته‌ای پژوهش اقتضا می‌کند که داده‌ها از دو حوزه علمی گردآوری شوند. نخست، داده‌های قرآنی که شامل آیات مرتبط با ابتلاء، صبر، توکل، شکر، امید، تقوا، استقامت، دعا، رحمت و نصرت الهی است و دوم، داده‌های نظری مربوط به شاخص‌های روان‌شناختی تاب‌آوری که در ادبیات علمی این حوزه به عنوان ابعاد اصلی تاب‌آوری معرفی شده‌اند. مقایسه این دو مجموعه داده، امکان بررسی میزان انطباق یا تفاوت میان الگوی قرآنی و الگوهای روان‌شناختی را فراهم می‌سازد. جامعه پژوهش در بخش قرآنی شامل تمامی آیات قرآن کریم است که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با مفهوم ابتلاء و سازوکارهای مواجهه انسان با دشواری‌ها ارتباط دارند. برای شناسایی این آیات، ابتدا واژگان کلیدی مرتبط با موضوع، از جمله «ابتلاء»، «بلاء»، «فتنه»، «صبر»، «توکل»، «تقوا»، «رجاء»، «خوف»، «شکر»، «سکینه» و «نصر» بررسی شدند. سپس با مطالعه سیاق آیات و مراجعه به تفاسیر معتبر، آیاتی که از نظر مفهومی با موضوع تاب‌آوری معنوی ارتباط داشتند، انتخاب شدند. در این مرحله، صرف وجود یک واژه ملاک انتخاب نبوده، بلکه ارتباط معنایی آیه با مسئله پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفته است [1].

در بخش روان‌شناسی، جامعه نظری پژوهش شامل شاخص‌های مطرح در الگوهای معتبر تاب‌آوری است. این شاخص‌ها از ادبیات علمی مرتبط با تاب‌آوری استخراج شده و به عنوان چارچوب مقایسه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. از جمله مهم‌ترین این شاخص‌ها می‌توان به انعطاف‌پذیری شناختی، تنظیم هیجان، امید، خودکارآمدی، توانایی سازگاری، حفظ عملکرد در شرایط دشوار، بازگشت به تعادل و بهره‌گیری از منابع حمایتی اشاره کرد. این شاخص‌ها به دلیل تکرار در مطالعات معتبر و کاربرد گسترده در پژوهش‌های روان‌شناختی، مبنای مقایسه با مؤلفه‌های استخراج‌شده از آیات قرآن قرار گرفته‌اند [3]، [4]

واحد تحلیل در این پژوهش، «مضمون مفهومی» است؛ بدین معنا که هر آیه پس از بررسی تفسیری، بر اساس مفهوم اصلی مرتبط با تاب‌آوری تحلیل شده است. در مواردی که یک آیه چند مفهوم را به طور هم‌زمان در بر داشته، هر مفهوم به عنوان یک واحد کدگذاری مستقل ثبت شده است. این شیوه موجب شده است که تمامی ظرفیت‌های معنایی آیات در فرآیند تحلیل مورد استفاده قرار گیرد و روابط میان مفاهیم با دقت بیشتری شناسایی شود. فرآیند تحلیل داده‌ها در سه مرحله اصلی انجام شده است. در مرحله نخست، کدگذاری باز صورت گرفت. در این مرحله، مفاهیم اولیه از متن آیات و تحلیل‌های تفسیری استخراج شدند. هر مفهوم بدون اعمال هرگونه طبقه‌بندی اولیه ثبت گردید تا امکان شناسایی تمامی ابعاد مرتبط با موضوع فراهم شود. خروجی این مرحله مجموعه‌ای از کدهای اولیه بود که بیانگر مؤلفه‌های مختلف مواجهه انسان با ابتلاء در قرآن کریم بودند [1].

در مرحله دوم، کدگذاری محوری انجام شد. در این مرحله، کدهای مشابه یا مرتبط با یکدیگر در قالب مقوله‌های بزرگ‌تر سامان‌دهی شدند. به عنوان نمونه، مفاهیمی مانند اعتماد به خداوند، امید به وعده الهی و اطمینان به حکمت پروردگار در یک خوشه مفهومی قرار گرفتند و مفاهیمی مانند صبر، استقامت، پایداری و استمرار عمل صالح نیز در خوشه‌ای دیگر سازمان یافتند. این مرحله زمینه شناسایی ارتباط میان مؤلفه‌های مختلف تاب‌آوری معنوی را فراهم کرد. در مرحله سوم، کدگذاری انتخابی انجام شد. هدف این مرحله، شکل‌دهی یک الگوی منسجم از ارتباط میان مقوله‌های اصلی بود. بر این اساس، مقوله‌های استخراج‌شده در چهار بُعد شناختی، عاطفی، رفتاری و غایت‌شناختی سازمان‌دهی شدند و روابط میان آن‌ها بررسی گردید. این چهار بُعد، چارچوب اولیه مدل مفهومی پژوهش را تشکیل دادند که در بخش یافته‌ها به تفصیل تشریح خواهد شد. به منظور افزایش اعتبار علمی پژوهش، تحلیل داده‌ها بر اساس اصل بازبینی مستمر انجام شد. بدین صورت که پس از استخراج اولیه کدها، ارتباط آن‌ها با متن آیات و تحلیل‌های تفسیری مجدداً بررسی شد تا از حفظ انسجام مفهومی اطمینان حاصل شود. همچنین، در مرحله مقایسه با شاخص‌های روان‌شناختی، تنها مفاهیمی مورد تطبیق قرار گرفتند که از نظر تعریف نظری دارای همپوشانی مفهومی بودند و از تعمیم‌های غیرمستند پرهیز شد [5].

در بخش تطبیقی، برای هر یک از مؤلفه‌های استخراج‌شده از قرآن، شاخص متناظر در ادبیات روان‌شناسی شناسایی شد. سپس میزان همگرایی، تفاوت یا تکمیل‌کنندگی آن‌ها مورد تحلیل قرار گرفت. این مقایسه بر مبنای شباهت مفهومی انجام شد و هدف آن، ارزیابی برتری یک رویکرد بر رویکرد دیگر نبود، بلکه تبیین ظرفیت‌های مکمل هر دو حوزه در فهم تاب‌آوری انسان بود. این رویکرد امکان ارائه مدلی را فراهم می‌کند که ضمن برخورداری از پشتوانه قرآنی، با ادبیات علمی روز نیز قابلیت گفت‌وگو داشته باشد [6]، [7]. در نهایت، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌ها در قالب جداول تحلیلی و مدل مفهومی ارائه می‌شوند. جداول شامل دسته‌بندی مضامین، فراوانی نسبی مفاهیم، ارتباط میان مقوله‌ها و مقایسه آن‌ها با شاخص‌های روان‌شناختی خواهند بود. تحلیل هر جدول به صورت مستقل ارائه می‌شود تا پیوند منطقی میان داده‌های استخراج‌شده و نتایج نهایی پژوهش به روشنی قابل مشاهده باشد.

به منظور دستیابی به الگویی منسجم از تاب‌آوری معنوی، پژوهش حاضر از یک فرآیند نظام‌مند برای گردآوری، پالایش و تحلیل داده‌های قرآنی استفاده کرده است. در گام نخست، تمامی آیات مرتبط با موضوع ابتلاء و مفاهیم هم‌خانواده آن شناسایی شدند. در این مرحله، علاوه بر واژگان صریح، آیاتی که بدون به‌کارگیری لفظ ابتلاء، به صورت مفهومی به موضوعاتی همچون مواجهه با سختی، صبر، توکل، امید، رحمت الهی، استقامت، امداد الهی، آزمایش انسان و پیامدهای رفتار انسان در شرایط دشوار اشاره داشتند نیز مورد بررسی قرار گرفتند. این شیوه انتخاب موجب شد دامنه تحلیل تنها به یک گروه محدود از واژگان وابسته نباشد و تمامی ابعاد معنایی مرتبط با مسئله پژوهش در فرآیند تحلیل حضور داشته باشند [1].

پس از گردآوری آیات، مرحله پالایش داده‌ها انجام شد. در این مرحله، آیاتی که صرفاً دارای اشتراک لفظی با واژگان مورد جستجو بودند اما ارتباط مفهومی مستقیمی با تاب‌آوری معنوی نداشتند، حذف شدند. همچنین آیاتی که تنها به بیان احکام، وقایع تاریخی یا موضوعاتی خارج از مسئله پژوهش می‌پرداختند، وارد مرحله کدگذاری نشدند. معیار اصلی در این پالایش، میزان ارتباط آیه با سازوکارهای شناختی، هیجانی، رفتاری و معنوی انسان در مواجهه با دشواری‌ها بود. این فرآیند سبب شد مجموعه داده‌های نهایی از انسجام موضوعی لازم برخوردار باشد و تحلیل بر پایه داده‌های مرتبط انجام گیرد. برای افزایش دقت در تفسیر مفاهیم، هر آیه در بستر سیاق آیات قبل و بعد و همچنین در پرتو دیدگاه‌های تفسیری بررسی شد. در مواردی که برداشت‌های تفسیری مختلف وجود داشت، اشتراکات مفهومی میان دیدگاه‌ها مبنای استخراج کدها قرار گرفت تا از تأثیر برداشت‌های سلیقه‌ای بر یافته‌ها کاسته شود. به این ترتیب، فرآیند تحلیل بیش از آنکه بر تفسیر فردی پژوهشگر متکی باشد، بر همگرایی دیدگاه‌های تفسیری استوار شد [1].

در مرحله کدگذاری، هر مضمون استخراج شده دارای یک شناسه مفهومی مستقل بود. این شناسه‌ها به گونه‌ای طراحی شدند که امکان ردیابی هر مفهوم از مرحله استخراج تا مرحله مدل‌سازی وجود داشته باشد. برای مثال، مضامینی مانند «اعتماد به حکمت الهی»، «پایداری در انجام تکلیف»، «بازسازی امید»، «مدیریت هیجان در بحران»، «حفظ هویت ایمانی» و «مسئولیت اجتماعی در شرایط دشوار» به عنوان کدهای مستقل ثبت شدند. سپس این کدها بر اساس میزان هم‌پوشانی مفهومی در مقوله‌های بزرگ‌تر ادغام شدند. نتیجه این فرآیند، شکل‌گیری مجموعه‌ای از مقوله‌های اصلی بود که ستون‌های الگوی تاب‌آوری معنوی را تشکیل دادند. در ادامه، برای هر مقوله قرآنی، شاخص متناظر در ادبیات روان‌شناسی تاب‌آوری تعیین شد. این تطبیق بر اساس تشابه مفهومی انجام گرفت، نه بر پایه شباهت واژگانی. به عنوان نمونه، مقوله «توکل» صرفاً معادل «اعتماد» تلقی نشد، بلکه ابعاد آن از منظر تنظیم شناختی، کاهش اضطراب، حفظ امید و استمرار رفتار هدفمند مورد تحلیل قرار گرفت. همچنین مفهوم «صبر» تنها به معنای تحمل منفعلانه دشواری‌ها در نظر گرفته نشد، بلکه به عنوان راهبردی فعال برای حفظ ثبات شناختی و رفتاری بررسی گردید. این شیوه تطبیق، امکان مقایسه دقیق‌تر میان دو حوزه علمی را فراهم ساخت [3]، [5].

به منظور افزایش قابلیت بازتولید پژوهش، تمامی مراحل تحلیل بر اساس توالی مشخصی انجام شد که شامل شناسایی داده‌ها، استخراج مفاهیم اولیه، پالایش کدها، تشکیل مقوله‌ها، طراحی شبکه مفهومی و مقایسه تطبیقی بود. رعایت این توالی سبب شد مسیر دستیابی به نتایج شفاف باشد و ارتباط منطقی میان داده‌های اولیه و یافته‌های نهایی حفظ شود. علاوه بر این، هر مرحله پس از تکمیل، مجدداً با مراحل پیشین تطبیق داده شد تا از ایجاد ناسازگاری میان کدها و مقوله‌ها جلوگیری شود. برای ارزیابی استحکام تحلیل، از اصل «انسجام مفهومی» استفاده شد. بر اساس این اصل، هر مقوله زمانی در مدل نهایی حفظ شد که دست‌کم از چند مفهوم مرتبط پشتیبانی می‌شد و ارتباط آن با سایر مقوله‌های اصلی نیز قابل تبیین بود. در مقابل، مفاهیمی که تنها یک بار مشاهده شدند یا ارتباط معناداری با ساختار کلی مدل نداشتند، به عنوان یافته‌های فرعی ثبت شدند و در شکل‌دهی مدل نهایی مورد استفاده قرار نگرفتند. این شیوه موجب شد مدل استخراج شده از پراکندگی مفهومی دور مانده و از انسجام نظری کافی برخوردار باشد.

در بخش تطبیقی، شاخص‌های روان‌شناختی در چهار حوزه اصلی شامل بعد شناختی، بعد هیجانی، بعد رفتاری و بعد اجتماعی طبقه‌بندی شدند. سپس هر یک از مقوله‌های قرآنی در یکی از این چهار حوزه قرار گرفت و میزان هم‌پوشانی یا تفاوت آن با شاخص‌های روان‌شناختی بررسی شد. در مواردی که یک مفهوم قرآنی چندین بعد را به طور هم‌زمان پوشش می‌داد، تمامی ابعاد مرتبط ثبت گردید تا پیچیدگی ساختار مفهومی آن حفظ شود. این روش از تقلیل مفاهیم قرآنی به تعاریف محدود روان‌شناختی جلوگیری کرد و امکان ارائه تصویری جامع‌تر از تاب‌آوری معنوی را فراهم آورد [6].

خروجی نهایی پژوهش در قالب چند جدول تحلیلی سازمان‌دهی خواهد شد. نخست، جدول دسته‌بندی آیات بر اساس مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری معنوی ارائه می‌شود. سپس جدول مقوله‌های استخراج شده از داده‌کاوی تفسیری تنظیم خواهد شد. در ادامه، جدول تطبیقی میان مؤلفه‌های قرآنی و شاخص‌های روان‌شناختی ارائه می‌شود و در پایان، مدل نهایی تاب‌آوری معنوی بر اساس روابط میان مقوله‌های اصلی تبیین خواهد شد. تحلیل هر جدول به صورت مستقل در بخش یافته‌ها ارائه می‌شود تا ارتباط میان داده‌ها و استنتاج‌های پژوهش به روشنی قابل پیگیری باشد. با توجه به ماهیت پژوهش، تمرکز اصلی بر تحلیل کیفی داده‌ها بوده است؛ با این حال، برای افزایش شفافیت در ارائه نتایج، از نمایش ساختارمند داده‌ها در قالب جداول استفاده خواهد شد. این جداول نقش سازمان‌دهنده اطلاعات را بر عهده دارند و به خواننده امکان می‌دهند مسیر تبدیل داده‌های اولیه به مدل مفهومی نهایی را به صورت گام‌به‌گام دنبال کند. بدین ترتیب، فرآیند استنتاج پژوهش از انسجام منطقی و قابلیت ارزیابی علمی برخوردار خواهد بود.

به منظور افزایش قابلیت اعتماد تحلیل، در تمامی مراحل پژوهش اصل بازگشت مستمر به داده‌های اولیه رعایت شد. بدین معنا که پس از استخراج هر مجموعه از کدها، متن آیات و تبیین‌های تفسیری مرتبط مجدداً بررسی شد تا از انطباق کامل مفاهیم استخراج شده با محتوای آیات اطمینان حاصل شود. این بازبینی مستمر موجب شد که فرآیند تحلیل از برداشته‌های مقطعی یا تفسیرهای منفرد فاصله گرفته و بر پایه پیوستگی مفهومی داده‌ها استوار باشد. همچنین در فرآیند تشکیل مقوله‌های اصلی، تنها مضامینی در مدل نهایی حفظ شدند که از انسجام درونی کافی برخوردار بوده و ارتباط آن‌ها با سایر اجزای مدل قابل تبیین بود. برای کنترل اعتبار تحلیلی، اصل همگرایی مفهومی نیز مورد توجه قرار گرفت. بر این اساس، هرگاه یک مفهوم در چند دسته از آیات و در بیش از یک محور تفسیری تکرار می‌شد، به عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی الگوی تاب‌آوری معنوی در نظر گرفته شد. در مقابل، مفاهیمی که تنها در یک بافت محدود مشاهده شدند و ارتباط ساختاری روشنی با سایر مؤلفه‌ها نداشتند، در سطح یافته‌های فرعی باقی ماندند و وارد مدل نهایی نشدند. این شیوه تحلیل موجب شد مدل پیشنهادی بر پایه مؤلفه‌های پایدار و قابل دفاع شکل گیرد.

در مرحله تطبیقی، مقایسه میان یافته‌های قرآنی و شاخص‌های روان‌شناختی بر اساس چند معیار انجام شد. نخست، هم‌ارزی مفهومی مورد بررسی قرار گرفت، یعنی مشخص شد که آیا یک مؤلفه قرآنی از نظر کارکرد، با یکی از شاخص‌های شناخته شده تاب‌آوری در روان‌شناسی قابل مقایسه است یا خیر. دوم، دامنه هر مفهوم ارزیابی شد تا روشن شود مفهوم قرآنی نسبت به شاخص روان‌شناختی دارای گستره محدودتر، مشابه یا

گسترده‌تر است. سوم، ابعاد اختصاصی هر یک از دو رویکرد تحلیل شد تا مؤلفه‌هایی که صرفاً در یکی از آن‌ها وجود دارد، شناسایی شود. این سه معیار، چارچوب اصلی تحلیل تطبیقی پژوهش را تشکیل دادند و مبنای تفسیر یافته‌ها قرار گرفتند [5]، [6].

در این پژوهش، مقایسه میان دو حوزه دانشی با رویکرد هم‌افزا انجام شده است. بنابراین، هدف از تحلیل تطبیقی، اثبات برتری یکی از دو نظام معرفتی نبوده، بلکه شناسایی ظرفیت‌های مشترک و تکمیل‌کننده آن‌ها مدنظر قرار داشته است. بر همین اساس، هر جا میان مؤلفه‌های قرآنی و شاخص‌های روان‌شناختی هم‌پوشانی مشاهده شد، نقاط اشتراک تبیین گردید و در مواردی که مفاهیم قرآنی دارای ابعاد افزوده بودند، این ابعاد به عنوان ظرفیت‌های اختصاصی الگوی قرآنی تحلیل شدند. چنین رویکردی امکان گفت‌وگوی علمی میان علوم قرآن و روان‌شناسی را فراهم می‌کند و از تقلیل مفاهیم یک حوزه به مفاهیم حوزه دیگر جلوگیری می‌نماید. یافته‌های پژوهش در قالب مجموعه‌ای از جداول تحلیلی سازمان‌دهی شده‌اند تا روند استنتاج علمی به صورت شفاف قابل پیگیری باشد. نخستین جدول، دسته‌بندی مفاهیم اصلی استخراج‌شده از آیات مرتبط با ابتلاء را نشان می‌دهد. جدول دوم، مقوله‌های محوری حاصل از داده‌کاوی تفسیری را معرفی می‌کند. جدول سوم، مقایسه میان مؤلفه‌های قرآنی و شاخص‌های روان‌شناختی تاب‌آوری را ارائه می‌دهد. در ادامه، جدول چهارم روابط میان ابعاد شناختی، عاطفی، رفتاری و غایت‌شناختی را در مدل پیشنهادی نمایش می‌دهد و جدول پایانی، جمع‌بندی الگوی نهایی تاب‌آوری معنوی را در قالب یک چارچوب مفهومی ارائه خواهد کرد.

تحلیل هر جدول به صورت مستقل انجام می‌شود و صرفاً به توصیف داده‌ها محدود نخواهد بود، بلکه ارتباط یافته‌ها با اهداف پژوهش، پرسش اصلی تحقیق و چارچوب نظری مقاله نیز تبیین خواهد شد. به این ترتیب، خواننده می‌تواند مسیر حرکت پژوهش را از داده‌های اولیه تا استنتاج نهایی به صورت منظم دنبال کند و منطق شکل‌گیری مدل پیشنهادی را ارزیابی نماید.

در مجموع، روش تحقیق حاضر با تلفیق تحلیل مضمون، داده‌کاوی تفسیری و تحلیل تطبیقی، تلاش کرده است چارچوبی روشمند برای استخراج مؤلفه‌های تاب‌آوری معنوی از قرآن کریم ارائه دهد. انتظار می‌رود این چارچوب علاوه بر پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش، قابلیت استفاده در مطالعات آینده حوزه علوم قرآن، الهیات، روان‌شناسی، مشاوره و مطالعات سلامت معنوی را نیز داشته باشد و زمینه توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای را فراهم آورد.

نتایج

استخراج مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری معنوی از آیات ابتلاء

تحلیل نظام‌مند آیات منتخب نشان داد که مفهوم تاب‌آوری معنوی در قرآن کریم بر پایه یک مؤلفه واحد شکل نگرفته است، بلکه از مجموعه‌ای از عناصر شناختی، عاطفی، رفتاری و غایت‌محور تشکیل شده است که در تعامل مستمر با یکدیگر، الگوی مواجهه انسان با بحران را شکل می‌دهند. بررسی داده‌های تفسیری نشان داد که آیات مرتبط با ابتلاء، انسان را موجودی منفعل در برابر دشواری‌ها معرفی نمی‌کنند، بلکه او را کنشگری آگاه می‌دانند که با بهره‌گیری از ایمان، شناخت، اراده و مسئولیت‌پذیری می‌تواند مسیر عبور از بحران را مدیریت کند.

در فرآیند کدگذاری، ابتدا مفاهیم اولیه استخراج شد. سپس این مفاهیم بر اساس شباهت معنایی در قالب مقوله‌های محوری طبقه‌بندی شدند. در نهایت، مقوله‌های محوری در چهار بعد اصلی سامان یافتند که هسته الگوی تاب‌آوری معنوی را تشکیل می‌دهند. این چهار بعد عبارت‌اند از بعد شناختی، بعد عاطفی، بعد رفتاری و بعد غایت‌شناختی.

جدول ۱ نتایج حاصل از طبقه‌بندی مفاهیم استخراج‌شده را نشان می‌دهد.

جدول ۱. طبقه‌بندی مؤلفه‌های اصلی تاب‌آوری معنوی استخراج‌شده از آیات ابتلاء

بعد اصلی	مقوله‌های محوری	نمونه مفاهیم استخراج‌شده
شناختی	معناشناسی ابتلاء	حکمت الهی، هدفمندی آزمون، شناخت سنت‌های الهی، پذیرش واقعیت
شناختی	بازسازی نگرش	امید، اعتماد، آینده‌نگری، خوش‌بینی مبتنی بر ایمان
عاطفی	تنظیم هیجان	آرامش، اطمینان قلبی، کنترل اضطراب، مدیریت ترس
عاطفی	پایداری هیجانی	صبر، استقامت، تحمل فشار، ثبات روانی
رفتاری	رفتار مسئولانه	استمرار عمل صالح، تلاش، اصلاح رفتار، مسئولیت‌پذیری
رفتاری	تعامل اجتماعی	حمایت از دیگران، همبستگی اجتماعی، تعاون، حفظ عدالت
غایت‌شناختی	جهت‌گیری الهی	رضایت الهی، قرب الهی، رشد معنوی، تعالی شخصیت
غایت‌شناختی	رشد پس از ابتلاء	خودسازی، ارتقای ایمان، بلوغ اخلاقی، شکوفایی ظرفیت‌های انسانی

تحلیل داده‌های جدول ۱ نشان می‌دهد که بیشترین حجم داده‌های استخراج‌شده در دو بعد شناختی و رفتاری قرار گرفته است. این یافته بیانگر آن است که در الگوی قرآنی، نحوه ادراک بحران و نوع واکنش عملی انسان، دو رکن اساسی تاب‌آوری محسوب می‌شوند. در بعد شناختی، بحران پیش از آنکه یک تهدید تلقی شود، به عنوان بخشی از نظام حکیمانه آفرینش تفسیر می‌شود. چنین برداشتی موجب تغییر ارزیابی ذهنی فرد از شرایط دشوار شده و زمینه کاهش آشفتگی روانی را فراهم می‌کند. در بعد عاطفی، یافته‌ها نشان دادند که آرامش روانی در قرآن نتیجه

حذف بحران نیست، بلکه حاصل تغییر نوع ارتباط انسان با بحران است. هنگامی که فرد رویدادهای دشوار را در چارچوب حکمت الهی معنا می‌کند، شدت واکنش‌های هیجانی منفی کاهش یافته و احساس اطمینان و امید جایگزین اضطراب و درماندگی می‌شود. بنابراین، ثبات هیجانی در این الگو، پیامد مستقیم بازسازی شناختی است و نه صرفاً کنترل هیجان.

بعد رفتاری نیز یکی از گسترده‌ترین ابعاد استخراج‌شده از داده‌ها بود. برخلاف برخی برداشت‌ها که تاب‌آوری را به تحمل منفعلانه مشکلات محدود می‌کنند، تحلیل آیات نشان داد که الگوی قرآنی بر استمرار رفتارهای سازنده حتی در شرایط دشوار تأکید دارد. تلاش مستمر، انجام وظایف اخلاقی، اصلاح رفتار، حفظ عدالت، همکاری اجتماعی و خودداری از واکنش‌های آسیب‌زا، مهم‌ترین نمودهای رفتاری تاب‌آوری در این الگو هستند. این مسئله نشان می‌دهد که تاب‌آوری معنوی صرفاً یک وضعیت روانی نیست، بلکه در رفتارهای عینی فرد نیز تجلی پیدا می‌کند. بعد غایت‌شناختی، مهم‌ترین ویژگی متمایزکننده الگوی قرآنی نسبت به بسیاری از الگوهای رایج محسوب می‌شود. در این بعد، هدف نهایی عبور از بحران، تنها بازگشت به وضعیت پیشین نیست، بلکه دستیابی به مرتبه‌ای بالاتر از رشد انسانی است. در این نگرش، ابتلاء زمینه‌ای برای پالایش شخصیت، تعمیق ایمان، اصلاح اخلاق، افزایش مسئولیت‌پذیری و نزدیک شدن به کمال انسانی تلقی می‌شود. از این رو، پیامد مطلوب بحران در الگوی قرآنی، «رشد پس از ابتلاء» است، نه صرفاً «بازگشت پس از بحران».

همچنین بررسی ارتباط میان چهار بعد اصلی نشان داد که این ابعاد به صورت خطی عمل نمی‌کنند، بلکه میان آن‌ها رابطه‌ای پویا و متقابل وجود دارد. اصلاح نگرش موجب ثبات هیجانی می‌شود، ثبات هیجانی رفتار مسئولانه را تقویت می‌کند و استمرار رفتارهای سازنده نیز به رشد معنوی و تثبیت نگرش‌های جدید منجر می‌شود. این چرخه پیوسته، ساختار اصلی الگوی تاب‌آوری معنوی را تشکیل می‌دهد و بیانگر آن است که هیچ‌یک از ابعاد به تنهایی قادر به تبیین کامل فرآیند تاب‌آوری نیست. بررسی فراوانی مفاهیم استخراج‌شده نیز نشان داد که مفاهیم مرتبط با امید، صبر، توکل، حکمت الهی، استقامت و مسئولیت‌پذیری، بیشترین تکرار مفهومی را در میان داده‌ها دارند. این یافته نشان می‌دهد که الگوی قرآنی، تاب‌آوری را بیش از هر چیز بر پایه تحول در نظام شناختی و تداوم رفتارهای مسئولانه بنا می‌کند و مؤلفه‌های هیجانی و معنوی را در تعامل با این دو بعد تفسیر می‌نماید.

تحلیل مقوله‌های محوری حاصل از داده‌کاوی تفسیری آیات ابتلاء

پس از استخراج مفاهیم اولیه، مرحله کدگذاری محوری با هدف شناسایی روابط میان کدهای هم‌معنا انجام شد. این مرحله نشان داد که بخش قابل توجهی از مفاهیم قرآنی، اگرچه در آیات مختلف و با تعابیر متفاوت بیان شده‌اند، اما از نظر کارکرد معرفتی و تربیتی در قالب چند مقوله کلان قابل سازمان‌دهی هستند. این مقوله‌ها، ستون‌های اصلی الگوی تاب‌آوری معنوی را تشکیل می‌دهند و بیانگر شیوه‌ای هستند که قرآن کریم برای مواجهه انسان با شرایط دشوار ارائه می‌دهد. بررسی داده‌ها نشان داد که مفاهیم استخراج‌شده تنها در سطح توصیه‌های اخلاقی باقی نمی‌مانند، بلکه میان آن‌ها پیوندهای منظم و سلسله‌مراتبی وجود دارد. برخی مقوله‌ها نقش زیربنایی دارند و زمینه شکل‌گیری سایر مؤلفه‌ها را فراهم می‌کنند، در حالی که برخی دیگر پیامد طبیعی تحقق مقوله‌های پیشین محسوب می‌شوند. بر همین اساس، مقوله‌های اصلی استخراج‌شده در جدول ۲ ارائه شده‌اند.

جدول ۲. مقوله‌های محوری استخراج‌شده از داده‌کاوی تفسیری آیات ابتلاء

مقوله محوری	مؤلفه‌های وابسته	نقش در الگوی تاب‌آوری معنوی
معنابخشی الهی	حکمت الهی، هدفمندی ابتلاء، سنت‌های الهی	اصلاح برداشت انسان از بحران
بازسازی شناخت	امید، توکل، اعتماد، یقین	تغییر ارزیابی ذهنی از شرایط دشوار
خودتنظیمی هیجانی	آرامش، صبر، کنترل ترس، اطمینان	کاهش آشفتگی روانی
پایداری رفتاری	استمرار عمل صالح، مسئولیت‌پذیری، استقامت	حفظ عملکرد مؤثر در بحران
سرمایه اجتماعی ایمانی	تعاون، همدلی، حمایت متقابل، عدالت	تقویت انسجام اجتماعی
رشد معنوی	خودسازی، ارتقای ایمان، اخلاص، تعالی اخلاقی	تبدیل بحران به فرصت رشد

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که «معنابخشی الهی» زیربنایی‌ترین مقوله استخراج‌شده از تحلیل آیات است. تقریباً تمامی مقوله‌های دیگر به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم از این مؤلفه تأثیر می‌پذیرند. هنگامی که فرد، دشواری‌های زندگی را در چارچوب حکمت و تدبیر الهی تفسیر می‌کند، نوع مواجهه او با بحران دگرگون می‌شود و زمینه لازم برای شکل‌گیری سایر ابعاد تاب‌آوری فراهم می‌گردد. در این الگو، تغییر در نگرش مقدم بر تغییر در رفتار است و رفتار پایدار بدون اصلاح نظام شناختی دوام نخواهد داشت. دومین مقوله اصلی، بازسازی شناخت است. تحلیل داده‌ها نشان داد که امید، توکل، اعتماد و یقین، هر یک نقش متفاوتی در بازآفرینی نظام فکری انسان ایفا می‌کنند. امید، جهت‌گیری آینده را حفظ می‌کند؛ توکل، احساس اتکای وجودی را تقویت می‌نماید؛ اعتماد، اضطراب ناشی از ابهام را کاهش می‌دهد و یقین، ثبات شناختی را در شرایط ناپایدار افزایش می‌دهد. مجموع این مؤلفه‌ها موجب می‌شود فرد بحران را پایان مسیر تلقی نکند، بلکه آن را مرحله‌ای از فرآیند رشد بداند.

مقوله «خودتنظیمی هیجانی» نیز جایگاه ویژه‌ای در ساختار داده‌ها دارد. یافته‌ها نشان دادند که قرآن کریم میان هیجان و شناخت رابطه‌ای مستقیم برقرار می‌کند. آرامش، صبر و اطمینان قلبی زمانی پایدار می‌شوند که نگرش انسان نسبت به ابتلاء اصلاح شده باشد. بنابراین، مدیریت

هیجان در این الگو، پیامد اصلاح نظام معرفتی است، نه صرفاً نتیجه تمرین‌های رفتاری یا کنترل احساسات. این یافته نشان می‌دهد که الگوی قرآنی در مقایسه با بسیاری از رویکردهای روان‌شناختی، ارتباط عمیق‌تری میان شناخت و هیجان برقرار می‌کند.

در بخش رفتار، نتایج بیانگر آن است که تاب‌آوری در قرآن همواره با «کنش فعال» همراه است. استمرار عمل صالح، انجام مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، حفظ عدالت، کمک به دیگران و پایداری در انجام وظایف، مهم‌ترین نمودهای رفتاری این الگو هستند. این یافته بیانگر آن است که تاب‌آوری معنوی تنها به حفظ تعادل درونی محدود نیست، بلکه در کیفیت تعامل فرد با جامعه نیز تجلی می‌یابد. از این‌رو، انسان تاب‌آور در منطق قرآن، نه تنها از بحران آسیب کمتری می‌بیند، بلکه می‌تواند به عاملی برای کاهش آسیب‌های اجتماعی نیز تبدیل شود. یکی از یافته‌های قابل توجه پژوهش، استخراج مقوله «سرمایه اجتماعی ایمانی» بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که بسیاری از آیات مرتبط با ابتلاء، صرفاً بر توانایی فردی تأکید ندارند، بلکه بر همکاری، همدلی، حمایت متقابل، عدالت اجتماعی و مسئولیت‌پذیری جمعی نیز تأکید می‌کنند. این مسئله نشان می‌دهد که از دیدگاه قرآن، تاب‌آوری تنها یک ویژگی فردی نیست، بلکه در بستر روابط اجتماعی و اخلاق جمعی نیز شکل می‌گیرد. در نتیجه، هرچه پیوندهای اجتماعی مبتنی بر ایمان و عدالت استحکام بیشتری داشته باشند، ظرفیت جامعه برای عبور از بحران نیز افزایش خواهد یافت.

آخرین مقوله استخراج‌شده، «رشد معنوی» است که در واقع نقطه پایان چرخه تاب‌آوری محسوب می‌شود. یافته‌ها نشان دادند که در منطق قرآن، عبور موفق از بحران به افزایش ایمان، تقویت فضایل اخلاقی، اصلاح شخصیت و ارتقای کیفیت ارتباط انسان با خداوند منتهی می‌شود. بدین ترتیب، بحران نه تنها عامل آسیب نیست، بلکه می‌تواند به بستری برای شکوفایی ظرفیت‌های وجودی انسان تبدیل شود. این ویژگی، یکی از مهم‌ترین تمایزهای الگوی قرآنی با بسیاری از مدل‌های متداول تاب‌آوری است که هدف نهایی آن‌ها عمدتاً بازگشت فرد به وضعیت پیش از بحران است.

بررسی روابط میان مقوله‌های جدول ۲ نشان داد که ساختار الگوی قرآنی، ساختاری زنجیره‌ای نیست، بلکه شبکه‌ای و پویاست. هر مقوله، هم از مقوله‌های پیشین تأثیر می‌پذیرد و هم بر مقوله‌های بعدی اثر می‌گذارد. به عنوان نمونه، معنابخشی الهی، بازسازی شناخت را تقویت می‌کند؛ بازسازی شناخت موجب ثبات هیجانی می‌شود؛ ثبات هیجانی، رفتار مسئولانه را پایدار می‌سازد و رفتار مسئولانه نیز زمینه رشد معنوی را فراهم می‌آورد. در مقابل، افزایش رشد معنوی، نگرش انسان نسبت به ابتلاء را عمیق‌تر کرده و چرخه تاب‌آوری را در سطوح بالاتری بازتولید می‌کند. این ارتباط دوسویه، یکی از ویژگی‌های ساختاری الگوی استخراج‌شده محسوب می‌شود و نشان می‌دهد که تاب‌آوری معنوی در قرآن یک فرآیند مستمر و تکاملی است، نه یک واکنش مقطعی به بحران.

مقایسه مؤلفه‌های تاب‌آوری معنوی قرآن با شاخص‌های روان‌شناختی تاب‌آوری

پس از استخراج ساختار مفهومی تاب‌آوری معنوی، گام بعدی پژوهش به مقایسه نظام‌مند این ساختار با شاخص‌های پذیرفته‌شده در روان‌شناسی اختصاص یافت. هدف از این مقایسه، یافتن نقاط اشتراک، تمایز و تکمیل‌کنندگی دو رویکرد بود. نتایج نشان داد که اگرچه در بسیاری از مؤلفه‌ها همگرایی قابل توجهی میان الگوی قرآنی و نظریه‌های روان‌شناختی وجود دارد، اما الگوی قرآنی در برخی ابعاد، لایه‌های معنایی و کارکردی عمیق‌تری ارائه می‌دهد که در الگوهای رایج کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

بررسی داده‌ها نشان داد که هر دو رویکرد بر نقش شناخت، مدیریت هیجان، رفتار هدفمند و سازگاری فعال با شرایط دشوار تأکید دارند. با این حال، تفاوت اصلی در منشأ شکل‌گیری این مؤلفه‌ها مشاهده شد. در روان‌شناسی، بسیاری از شاخص‌ها بر ظرفیت‌های فردی یا تعامل فرد با محیط استوار هستند، در حالی که در الگوی قرآنی، تمامی این ظرفیت‌ها در چارچوب ارتباط انسان با خداوند، نظام حکیمانه آفرینش و هدفمندی زندگی معنا پیدا می‌کنند.

جدول ۳. مقایسه مؤلفه‌های قرآنی با شاخص‌های روان‌شناختی تاب‌آوری

مؤلفه قرآنی	شاخص متناظر در روان‌شناسی	میزان هم‌پوشانی	ویژگی افزوده در الگوی قرآنی
حکمت الهی در ابتلاء	معنابخشی به بحران	زیاد	هدفمندی الهی و تبیین فلسفه رنج
توکل	اعتماد و احساس کنترل	متوسط	اتکای وجودی به خداوند
صبر	تحمل فشار روانی	زیاد	پایداری فعال همراه با مسئولیت‌پذیری
امید به وعده الهی	خوش‌بینی و امید	زیاد	امید مبتنی بر ایمان و یقین
استقامت	پشتکار و استمرار	زیاد	استمرار در مسیر حق و تکلیف
شکر	نگرش مثبت	متوسط	تبدیل نعمت و سختی به فرصت رشد
دعا	راهبرد مقابله‌ای	کم	ارتباط معنوی مستقیم با خداوند
رشد معنوی	رشد پس از بحران	متوسط	تعالی اخلاقی و قرب الهی

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشترین میزان هم‌پوشانی میان دو رویکرد در مؤلفه‌های صبر، امید و استقامت مشاهده می‌شود. این مؤلفه‌ها در هر دو نظام فکری، نقش مهمی در حفظ عملکرد انسان هنگام مواجهه با شرایط دشوار ایفا می‌کنند. با این وجود، بررسی دقیق‌تر داده‌ها نشان داد که مفهوم صبر در قرآن، گستره‌ای وسیع‌تر از مفهوم تحمل فشار روانی دارد. در این الگو، صبر نه به معنای پذیرش منفعلانه دشواری‌ها، بلکه به

معنای استمرار آگاهانه در انجام وظایف، حفظ تعادل اخلاقی، کنترل هیجان و تداوم حرکت در مسیر صحیح است. بنابراین، صبر در الگوی قرآنی ترکیبی از شناخت، هیجان و رفتار را در بر می‌گیرد.

در مؤلفه امید نیز تفاوت قابل توجهی مشاهده شد. در روان‌شناسی، امید معمولاً بر انتظار دستیابی به اهداف و باور به توانایی عبور از موانع استوار است؛ در حالی که در الگوی قرآنی، امید علاوه بر این ابعاد، بر اعتماد به وعده‌های الهی و باور به حکمت خداوند نیز مبتنی است. در نتیجه، حتی در شرایطی که تحقق نتایج مطلوب از منظر مادی با ابهام همراه باشد، امید همچنان حفظ می‌شود، زیرا بر بنیانی فراتر از شرایط بیرونی استوار است.

یکی از یافته‌های مهم پژوهش، تفاوت در مفهوم «توکل» بود. اگرچه در نگاه نخست، توکل با اعتماد یا احساس کنترل شباهت دارد، اما تحلیل داده‌ها نشان داد که توکل صرفاً یک حالت روانی نیست. این مفهوم، ترکیبی از شناخت، ایمان، اقدام مسئولانه و واگذاری نتیجه به خداوند است. بنابراین، توکل نه موجب کاهش تلاش انسان می‌شود و نه مسئولیت‌پذیری را تضعیف می‌کند، بلکه با کاهش اضطراب ناشی از پیامدهای غیرقابل کنترل، امکان تمرکز بیشتر بر انجام صحیح وظایف را فراهم می‌سازد. این ویژگی، یکی از مهم‌ترین ابعاد متمایزکننده الگوی قرآنی نسبت به بسیاری از مدل‌های روان‌شناختی است.

تحلیل مقوله «دعا» نیز نتایج قابل توجهی به همراه داشت. در الگوهای رایج تاب‌آوری، راهبردهای مقابله‌ای بیشتر بر بازسازی شناخت، تنظیم هیجان، حمایت اجتماعی یا مهارت‌های حل مسئله متمرکز هستند. در مقابل، دعا در الگوی قرآنی علاوه بر آثار روان‌شناختی، نوعی بازسازی رابطه وجودی انسان با خداوند را نیز در بر می‌گیرد. این رابطه موجب افزایش احساس امنیت، کاهش درماندگی، تقویت امید و استمرار انگیزه برای تلاش می‌شود. از این رو، دعا صرفاً یک رفتار عبادی نیست، بلکه یکی از مؤلفه‌های مؤثر در بازسازی ظرفیت تاب‌آوری محسوب می‌شود.

در خصوص رشد پس از بحران نیز تفاوت معناداری میان دو رویکرد مشاهده شد. در روان‌شناسی، رشد پس از بحران بیشتر به افزایش مهارت‌های فردی، انعطاف‌پذیری، خودشناسی و سازگاری بهتر با محیط اشاره دارد؛ اما در الگوی قرآنی، این رشد علاوه بر ابعاد فردی، شامل تعالی اخلاقی، تعمیق ایمان، افزایش اخلاص، تقویت مسئولیت اجتماعی و نزدیک‌تر شدن به کمال انسانی نیز می‌شود. در نتیجه، خروجی بحران صرفاً افزایش توانایی مقابله با مشکلات آینده نیست، بلکه تحول در کیفیت شخصیت انسان نیز محسوب می‌شود. بررسی کلی جدول ۳ نشان داد که حدود قابل توجهی از شاخص‌های روان‌شناختی در الگوی قرآنی قابل شناسایی هستند، اما قرآن این شاخص‌ها را در یک نظام معرفتی گسترده‌تر قرار می‌دهد. به بیان دیگر، مؤلفه‌هایی که در روان‌شناسی غالباً به صورت مستقل بررسی می‌شوند، در قرآن اجزای یک ساختار هماهنگ و هدفمند هستند. همین ویژگی سبب می‌شود که ارتباط میان شناخت، هیجان، رفتار و معنویت در الگوی قرآنی از انسجام بیشتری برخوردار باشد.

یافته‌های این بخش همچنین نشان داد که الگوی قرآنی نه جایگزین نظریه‌های روان‌شناختی، بلکه مکمل آن‌هاست. بسیاری از شاخص‌های علمی تاب‌آوری در این الگو تأیید می‌شوند، اما با افزودن مؤلفه‌هایی همچون حکمت الهی، هدفمندی ابتلاء، دعا، توکل و غایت‌مندی زندگی، ظرفیت تبیینی آن توسعه می‌یابد. از این منظر، تلفیق دستاوردهای روان‌شناسی با الگوی قرآنی می‌تواند چارچوب جامع‌تری برای تحلیل رفتار انسان در شرایط بحران فراهم آورد و زمینه طراحی الگوهای بومی ارتقای سلامت روان و آموزش‌های مبتنی بر فرهنگ اسلامی را تقویت کند.

تحلیل روابط میان ابعاد چهارگانه در الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی

پس از استخراج مؤلفه‌های اصلی و مقایسه آن‌ها با شاخص‌های روان‌شناختی، مرحله بعدی پژوهش به تحلیل روابط درونی میان ابعاد الگوی قرآنی اختصاص یافت. بررسی داده‌ها نشان داد که مؤلفه‌های استخراج‌شده به صورت مجزا عمل نمی‌کنند، بلکه در قالب یک نظام پویا و چندسطحی با یکدیگر ارتباط دارند. هر بعد، علاوه بر ایفای نقش مستقل، زمینه شکل‌گیری یا تقویت سایر ابعاد را نیز فراهم می‌کند. این ویژگی سبب می‌شود که تاب‌آوری معنوی در قرآن به عنوان یک فرآیند مستمر و تکاملی قابل تبیین باشد.

تحلیل داده‌ها نشان داد که حرکت در این الگو از «شناخت» آغاز می‌شود، اما در همان سطح باقی نمی‌ماند. اصلاح نگرش نسبت به ابتلاء، تغییرات هیجانی را به دنبال دارد؛ تغییرات هیجانی، کیفیت رفتار را تحت تأثیر قرار می‌دهد و استمرار رفتارهای مطلوب نیز زمینه دستیابی به رشد معنوی را فراهم می‌سازد. در عین حال، رشد معنوی حاصل‌شده، نگرش انسان را نسبت به بحران‌های بعدی عمیق‌تر می‌کند و بدین ترتیب چرخه تاب‌آوری در سطحی بالاتر تکرار می‌شود.

جدول ۴. روابط میان ابعاد اصلی الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی

بعد	مهم‌ترین مؤلفه‌ها	اثر بر بعد بعدی	پیامد نهایی
شناختی	حکمت الهی، معنابخشی، امید، توکل	افزایش ثبات هیجانی	کاهش آشفتگی ذهنی
عاطفی	آرامش، صبر، اطمینان قلبی، کنترل اضطراب	تقویت رفتارهای هدفمند	حفظ تعادل روانی
رفتاری	استقامت، مسئولیت‌پذیری، عمل صالح، تعاون	تقویت رشد معنوی	پایداری فردی و اجتماعی
غایت‌شناختی	تعالی اخلاقی، اخلاص، قرب الهی، خودسازی	تعمیق نگرش شناختی	ارتقای مستمر تاب‌آوری

بررسی جدول ۴ نشان می‌دهد که بعد شناختی، نقطه آغاز تمامی تحولات بعدی است. هنگامی که انسان بحران را صرفاً یک حادثه ناخواسته تلقی می‌کند، احتمال بروز اضطراب، ناامیدی و درماندگی افزایش می‌یابد؛ اما هنگامی که همان رویداد در چارچوب حکمت الهی و هدفمندی ابتلاء

معنا پیدا می‌کند، ارزیابی ذهنی فرد تغییر یافته و زمینه کاهش فشار روانی فراهم می‌شود. بنابراین، اصلاح برداشت ذهنی نسبت به بحران، نخستین گام در شکل‌گیری تاب‌آوری معنوی محسوب می‌شود.

نتایج نشان داد که بعد عاطفی، حلقه واسط میان شناخت و رفتار است. اگرچه نگرش صحیح زمینه ایجاد آرامش را فراهم می‌کند، اما این آرامش زمانی پایدار خواهد بود که در قالب هیجان‌های سازنده تثبیت شود. صبر، اطمینان قلبی و کنترل اضطراب از جمله مؤلفه‌هایی هستند که سبب می‌شوند فرد در شرایط دشوار از تصمیم‌گیری‌های شتاب‌زده، واکنش‌های هیجانی شدید و رفتارهای ناسازگار فاصله بگیرد. به همین دلیل، داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از رفتارهای سازنده، ریشه در ثبات هیجانی دارند.

در بعد رفتاری، یافته‌ها بیانگر آن است که تاب‌آوری معنوی تنها در سطح اندیشه یا احساس باقی نمی‌ماند، بلکه در عمل نیز نمود پیدا می‌کند. استمرار انجام وظایف، حفظ مسئولیت‌پذیری، پایبندی به ارزش‌های اخلاقی، همکاری با دیگران و تلاش برای اصلاح شرایط، از مهم‌ترین شاخص‌های رفتاری این الگو هستند. این یافته نشان می‌دهد که در منطق قرآن، موفقیت در عبور از بحران با حفظ نقش فعال انسان در جامعه ارتباط مستقیم دارد. بنابراین، هرچه رفتارهای مسئولانه تداوم بیشتری داشته باشند، ظرفیت تاب‌آوری نیز افزایش خواهد یافت.

بعد غایت‌شناختی، کامل‌کننده چرخه تاب‌آوری است. داده‌های استخراج‌شده نشان دادند که پیامد مطلوب بحران، صرفاً کاهش فشار روانی یا بازگشت به وضعیت پیشین نیست، بلکه دستیابی به سطح بالاتری از بلوغ اخلاقی، خودشناسی، اخلاص و رشد معنوی است. به همین دلیل، بسیاری از آیات مرتبط با ابتلاء، پس از بیان سختی‌ها، به نتایجی همچون افزایش ایمان، کسب رضایت الهی، تعالی شخصیت و دستیابی به پاداش معنوی اشاره می‌کنند. این یافته بیانگر آن است که در الگوی قرآنی، بحران بخشی از فرآیند تکامل انسان تلقی می‌شود.

یکی از یافته‌های مهم پژوهش، وجود رابطه بازخوردی میان چهار بعد اصلی است. تحلیل داده‌ها نشان داد که رشد معنوی پایان مسیر نیست، بلکه خود زمینه اصلاح عمیق‌تر نگرش انسان نسبت به رخدادهای آینده را فراهم می‌کند. فردی که تجربه موفق از عبور معنوی از یک بحران به دست آورده است، در مواجهه با بحران‌های بعدی از ظرفیت شناختی، هیجانی و رفتاری بالاتری برخوردار خواهد بود. در نتیجه، فرآیند تاب‌آوری به صورت یک چرخه تکاملی ادامه می‌یابد و هر تجربه موفق، سرمایه‌ای برای مواجهه با چالش‌های آینده محسوب می‌شود.

بررسی روابط میان ابعاد چهارگانه همچنین نشان داد که هیچ‌یک از این ابعاد را نمی‌توان به صورت مستقل تحلیل کرد. حذف هر یک از ابعاد، موجب کاهش انسجام مدل می‌شود. برای مثال، اگر اصلاح شناخت بدون تبدیل شدن به رفتار باقی بماند، تاب‌آوری در سطح نظری متوقف خواهد شد. همچنین اگر رفتارهای مطلوب فاقد پشتوانه شناختی و معنوی باشند، استمرار آن‌ها در شرایط دشوار با چالش مواجه خواهد شد. از این رو، الگوی استخراج‌شده بر تعامل مستمر میان تمامی ابعاد تأکید دارد و آن‌ها را اجزای یک نظام واحد می‌داند.

از منظر کاربردی، یافته‌های جدول ۴ نشان می‌دهد که برنامه‌های ارتقای تاب‌آوری در جوامع اسلامی، در صورتی اثربخش‌تر خواهند بود که به جای تمرکز بر یک بعد خاص، تمامی ابعاد شناختی، هیجانی، رفتاری و معنوی را به صورت هم‌زمان مورد توجه قرار دهند. این نتیجه، امکان طراحی الگوهای آموزشی، فرهنگی و مشاوره‌ای جامع‌تری را فراهم می‌کند و نشان می‌دهد که رویکرد قرآنی می‌تواند چارچوبی منسجم برای تقویت ظرفیت‌های فردی و اجتماعی در شرایط بحران ارائه دهد.

مدل نهایی تاب‌آوری معنوی و کاربرد مؤلفه‌های آن در مدیریت بحران‌های اجتماعی

نتایج حاصل از تحلیل‌های انجام‌شده نشان داد که مؤلفه‌های استخراج‌شده از آیات ابتلاء، علاوه بر انسجام درونی، از ظرفیت کاربردی مناسبی برای تحلیل و مدیریت بحران‌های اجتماعی نیز برخوردار هستند. بررسی روابط میان مقوله‌های اصلی بیانگر آن است که الگوی قرآنی تاب‌آوری، صرفاً برای مواجهه فرد با مشکلات شخصی طراحی نشده، بلکه می‌تواند در سطح خانواده، سازمان و جامعه نیز کارکرد داشته باشد. این ویژگی، الگوی استخراج‌شده را از بسیاری از الگوهای فردمحور متمایز می‌سازد.

بررسی داده‌ها نشان داد که هر یک از مؤلفه‌های اصلی، نقش مشخصی در کاهش پیامدهای بحران‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. برای مثال، معنابخشی به بحران موجب کاهش احساس بی‌هدفی و درماندگی می‌شود؛ تقویت امید، استمرار مشارکت اجتماعی را افزایش می‌دهد؛ مسئولیت‌پذیری اخلاقی از گسترش رفتارهای آسیب‌زا جلوگیری می‌کند و سرمایه اجتماعی مبتنی بر ایمان، ظرفیت همکاری جمعی را در شرایط بحرانی ارتقا می‌دهد. بنابراین، آثار الگوی قرآنی تنها در سطح روان فرد محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای اجتماعی نیز به همراه دارد.

جدول ۵. مدل نهایی مؤلفه‌های تاب‌آوری معنوی و کارکرد آن‌ها در بحران‌های اجتماعی

مؤلفه اصلی	کارکرد فردی	کارکرد اجتماعی	پیامد مورد انتظار
معنابخشی به ابتلاء	کاهش درماندگی	تقویت امید اجتماعی	افزایش پایداری جامعه
توکل	کاهش اضطراب	افزایش اعتماد عمومی	ثبات در تصمیم‌گیری
صبر	کنترل هیجان	کاهش تعارض‌های اجتماعی	حفظ انسجام اجتماعی
استقامت	استمرار عملکرد	تداوم فعالیت‌های جمعی	افزایش کارآمدی
مسئولیت‌پذیری	اصلاح رفتار فردی	تقویت مشارکت اجتماعی	کاهش آسیب‌های اجتماعی
تعاون و همدلی	افزایش حمایت متقابل	توسعه سرمایه اجتماعی	ارتقای همبستگی

رشد معنوی	ارتقای شخصیت	تقویت فرهنگ ایثار	پایداری فرهنگی
-----------	--------------	-------------------	----------------

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که تمامی مؤلفه‌های الگوی استخراج‌شده، به طور هم‌زمان دارای کارکرد فردی و اجتماعی هستند. این ویژگی بیانگر آن است که در منطق قرآن، سلامت فرد و سلامت جامعه از یکدیگر جدا نیستند. هرگونه ارتقای ظرفیت معنوی انسان، در نهایت به بهبود کیفیت روابط اجتماعی نیز منجر می‌شود و هرچه جامعه از سرمایه اخلاقی و معنوی بیشتری برخوردار باشد، توانایی آن در عبور از بحران‌ها نیز افزایش می‌یابد.

تحلیل داده‌ها نشان داد که «معنابخشی به ابتلاء» نقطه آغاز تمامی فرآیندهای بعدی است. هنگامی که انسان، دشواری‌های اجتماعی را صرفاً نشانه شکست یا بی‌نظمی تلقی نکند، بلکه آن‌ها را در چارچوب آزمون، مسئولیت و فرصت اصلاح ارزیابی نماید، میزان درماندگی روانی کاهش یافته و انگیزه مشارکت در حل مسائل اجتماعی افزایش می‌یابد. این تغییر نگرش، یکی از مهم‌ترین عوامل حفظ پویایی جامعه در شرایط بحرانی محسوب می‌شود.

در خصوص مؤلفه «توکل» نیز یافته‌ها نشان داد که این مفهوم افزون بر آثار فردی، در سطح اجتماعی نیز کارکرد مهمی دارد. افرادی که در تصمیم‌گیری‌های دشوار از آرامش بیشتری برخوردارند و در عین تلاش، نتیجه را به خداوند واگذار می‌کنند، معمولاً از واکنش‌های هیجانی افراطی، تصمیم‌های عجولانه و رفتارهای مبتنی بر ترس فاصله می‌گیرند. گسترش چنین نگرشی در سطح جامعه، می‌تواند به افزایش اعتماد متقابل، کاهش اضطراب جمعی و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی کمک کند.

یکی دیگر از یافته‌های قابل توجه پژوهش، نقش مؤلفه «مسئولیت‌پذیری» در حفظ انسجام اجتماعی بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که در بسیاری از آیات مرتبط با ابتلاء، تأکید اصلی تنها بر نجات فرد نیست، بلکه بر انجام مسئولیت در قبال دیگران نیز تأکید شده است. این مسئله بیانگر آن است که از دیدگاه قرآن، تاب‌آوری زمانی کامل می‌شود که انسان علاوه بر حفظ تعادل درونی، در بهبود وضعیت جامعه نیز نقش فعال ایفا کند. بنابراین، مسئولیت‌پذیری اجتماعی را می‌توان یکی از پیامدهای مستقیم تاب‌آوری معنوی دانست.

در زمینه «تعاون و همدلی» نیز یافته‌ها نشان داد که سرمایه اجتماعی، یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش تاب‌آوری جمعی است. جوامعی که افراد آن‌ها بر پایه اعتماد، همکاری، همدلی و عدالت با یکدیگر تعامل می‌کنند، در برابر بحران‌های گسترده از ظرفیت بیشتری برای بازسازی برخوردارند. بر این اساس، الگوی قرآنی تاب‌آوری تنها به توانایی فرد در تحمل سختی‌ها توجه ندارد، بلکه تقویت پیوندهای اجتماعی را نیز بخشی از فرآیند مقابله با بحران می‌داند.

تحلیل نهایی داده‌ها نشان داد که تمامی مؤلفه‌های جدول ۵ در یک ارتباط دوسویه قرار دارند و هیچ‌یک به صورت مستقل عمل نمی‌کنند. برای نمونه، افزایش مسئولیت‌پذیری موجب تقویت همکاری اجتماعی می‌شود؛ همکاری اجتماعی احساس امید را افزایش می‌دهد؛ امید، استمرار رفتارهای سازنده را تقویت می‌کند و این رفتارها به رشد معنوی فرد و جامعه منجر می‌شوند. در نتیجه، تاب‌آوری معنوی در قرآن نه یک ویژگی ثابت، بلکه فرآیندی پویا، شبکه‌ای و خودتقویت‌کننده است که در آن هر مؤلفه زمینه تقویت سایر مؤلفه‌ها را فراهم می‌آورد.

بررسی نهایی یافته‌ها همچنین نشان داد که مدل استخراج‌شده از آیات قرآن، ظرفیت استفاده در حوزه‌های مختلف را دارد. در نظام آموزشی، این مدل می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های تقویت مهارت‌های معنوی باشد. در حوزه مشاوره، می‌توان از آن برای تدوین مداخلات مبتنی بر فرهنگ اسلامی بهره گرفت. در سیاست‌گذاری اجتماعی نیز این مدل می‌تواند چارچوبی برای تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و ارتقای آمادگی جامعه در برابر بحران‌های گسترده فراهم آورد. بدین ترتیب، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی، علاوه بر برخورداری از انسجام نظری، از قابلیت کاربرد عملی در مدیریت بحران‌های اجتماعی نیز برخوردار است.

جمع‌بندی نهایی یافته‌های پژوهش

تحلیل نهایی داده‌های حاصل از داده‌کاوی تفسیری آیات ابتلاء نشان داد که الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی از انسجام ساختاری بالایی برخوردار است و مؤلفه‌های آن در قالب یک نظام مفهومی به‌هم‌پیوسته قابل تبیین هستند. برخلاف رویکردهایی که تاب‌آوری را مجموعه‌ای از ویژگی‌های پراکنده یا واکنش‌های مقطعی به شرایط دشوار می‌دانند، یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که در قرآن کریم، تاب‌آوری فرآیندی پیوسته، پویا و هدفمند است که از مرحله ادراک بحران آغاز می‌شود، در مرحله مدیریت هیجان و رفتار تداوم می‌یابد و در نهایت به رشد معنوی و ارتقای شخصیت انسان منجر می‌شود.

بررسی تمامی داده‌های استخراج‌شده نشان داد که «معنابخشی به ابتلاء» محور مرکزی الگوی پیشنهادی است. تمامی مؤلفه‌های دیگر به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم با این محور ارتباط دارند. هنگامی که انسان بحران را بخشی از سنت‌های حکیمانه الهی تلقی می‌کند، نگرش او نسبت به دشواری‌ها تغییر می‌یابد و همین تغییر نگرش، زمینه شکل‌گیری امید، آرامش، صبر، استقامت و رفتارهای مسئولانه را فراهم می‌آورد. بنابراین، مهم‌ترین تفاوت الگوی قرآنی با بسیاری از الگوهای متداول، جایگاه بنیادین معنا در آغاز فرآیند تاب‌آوری است.

یافته‌ها همچنین نشان داد که چهار بعد شناختی، عاطفی، رفتاری و غایت‌شناختی، ساختاری سلسله‌مراتبی ندارند، بلکه در قالب یک چرخه بازخوردی عمل می‌کنند. هرگونه تقویت در یکی از ابعاد، موجب ارتقای سایر ابعاد نیز می‌شود. برای مثال، افزایش شناخت صحیح نسبت به فلسفه

ابتلاء، ثبات هیجانی را تقویت می‌کند؛ ثبات هیجانی، کیفیت رفتار را ارتقا می‌دهد؛ رفتار مسئولانه زمینه رشد معنوی را فراهم می‌سازد و رشد معنوی نیز موجب تعمیق نگرش انسان نسبت به ابتلاءهای آینده می‌شود. این چرخه مستمر، پایداری تاب‌آوری را در بلندمدت تضمین می‌کند. یکی از مهم‌ترین یافته‌های پژوهش، نقش هم‌زمان عوامل فردی و اجتماعی در شکل‌گیری تاب‌آوری معنوی بود. تحلیل داده‌ها نشان داد که قرآن کریم، عبور موفق از بحران را صرفاً به توانایی‌های درونی فرد وابسته نمی‌داند، بلکه بر مسئولیت اجتماعی، همکاری، عدالت، همدلی و حمایت متقابل نیز تأکید می‌کند. از این رو، تاب‌آوری در این الگو دارای دو سطح مکمل است؛ سطح نخست به تقویت ظرفیت‌های فردی اختصاص دارد و سطح دوم بر افزایش توان جامعه برای مواجهه با بحران‌های گسترده تمرکز می‌کند. این ویژگی سبب می‌شود که الگوی قرآنی از ظرفیت بالایی برای تحلیل بحران‌های اجتماعی برخوردار باشد.

نتایج بخش تطبیقی نیز نشان داد که بسیاری از شاخص‌های پذیرفته‌شده روان‌شناختی، مانند امید، انعطاف‌پذیری، خودتنظیمی، پایداری و سازگاری فعال، در ساختار مفهومی قرآن نیز قابل مشاهده هستند؛ اما این مؤلفه‌ها در قرآن در چارچوبی گسترده‌تر و غایت‌مندتر قرار می‌گیرند. در این چارچوب، ارتباط با خداوند، حکمت الهی، دعا، توکل، اخلاص و تعالی اخلاقی، ابعادی را به الگوی تاب‌آوری می‌افزایند که در اغلب مدل‌های رایج روان‌شناختی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. بنابراین، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که الگوی قرآنی نه در تعارض با دستاوردهای روان‌شناسی، بلکه در تکمیل و توسعه آن‌ها قابل تحلیل است.

از منظر نظری، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم ابتلاء در قرآن را می‌توان به عنوان یکی از پایه‌های نظریه‌پردازی بومی در حوزه تاب‌آوری معنوی مطرح کرد. مؤلفه‌های استخراج‌شده، قابلیت سازمان‌دهی در قالب یک مدل مفهومی منسجم را دارند و می‌توانند مبنای انجام پژوهش‌های تکمیلی در حوزه علوم قرآن، الهیات، روان‌شناسی، مشاوره، علوم تربیتی و مطالعات فرهنگی قرار گیرند. این امر زمینه شکل‌گیری ادبیات علمی منسجم‌تری را در حوزه مطالعات میان‌رشته‌ای فراهم می‌کند.

از منظر کاربردی نیز یافته‌ها نشان داد که الگوی پیشنهادی قابلیت استفاده در حوزه‌های گوناگون را دارد. در آموزش عالی، می‌توان از این الگو برای طراحی محتوای دروس مرتبط با اخلاق، معنویت و مهارت‌های زندگی بهره گرفت. در مراکز مشاوره، مؤلفه‌های استخراج‌شده می‌توانند مبنای تدوین مداخلات روان‌شناختی متناسب با فرهنگ اسلامی قرار گیرند. در حوزه سیاست‌گذاری اجتماعی نیز این مدل می‌تواند در طراحی برنامه‌های افزایش سرمایه اجتماعی، ارتقای مشارکت عمومی، تقویت امید اجتماعی و افزایش آمادگی جامعه برای مواجهه با بحران‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد.

در مجموع، تحلیل داده‌های پژوهش نشان می‌دهد که الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی دارای سه ویژگی اساسی است؛ نخست، انسجام مفهومی میان تمامی مؤلفه‌ها؛ دوم، پیوند هم‌زمان میان ابعاد فردی، اجتماعی و معنوی؛ و سوم، جهت‌گیری تکاملی که بحران را به فرصتی برای رشد انسان تبدیل می‌کند. این سه ویژگی، الگوی استخراج‌شده را به چارچوبی منسجم و کاربردی برای تحلیل و مدیریت بحران‌های اجتماعی در بستر فرهنگ اسلامی تبدیل می‌کند و ظرفیت آن را برای توسعه پژوهش‌های آینده در حوزه الهیات و علوم رفتاری آشکار می‌سازد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل الگوی قرآنی تاب‌آوری معنوی در مواجهه با بحران‌های اجتماعی معاصر و مقایسه آن با شاخص‌های روان‌شناختی تاب‌آوری انجام شد. تحلیل داده‌های حاصل از آیات مرتبط با ابتلاء و سازمان‌دهی مفاهیم استخراج‌شده در قالب داده‌کاوی تفسیری نشان داد که قرآن کریم از یک الگوی منسجم، چندبعدی و پویا برای تبیین نحوه مواجهه انسان با بحران‌ها برخوردار است. این الگو بر خلاف برداشت‌های تقلیل‌گرایانه از مفهوم تاب‌آوری، تنها بر تحمل فشارهای روانی یا بازگشت به وضعیت پیش از بحران تأکید ندارد، بلکه فرآیند عبور از بحران را بستری برای رشد معرفتی، تعالی اخلاقی، تقویت هویت ایمانی و ارتقای مسئولیت‌پذیری فردی و اجتماعی می‌داند.

یافته‌های پژوهش نشان داد که ساختار تاب‌آوری معنوی در قرآن بر چهار بعد اصلی شناختی، عاطفی، رفتاری و غایت‌شناختی استوار است. این چهار بعد در قالب یک چرخه تعاملی با یکدیگر ارتباط دارند و هیچ‌یک به صورت مستقل عمل نمی‌کنند. معنابخشی به ابتلاء، اصلاح نگرش نسبت به دشواری‌ها، تقویت امید، توکل، صبر، استقامت، مسئولیت‌پذیری و رشد معنوی، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی بودند که از تحلیل نظام‌مند آیات استخراج شدند. بررسی روابط میان این مؤلفه‌ها نشان داد که در الگوی قرآنی، تغییر در نوع ادراک انسان از بحران، مقدمه شکل‌گیری سایر ابعاد تاب‌آوری است و این تغییر نگرش به تدریج در احساسات، رفتار و کیفیت رشد شخصیت انسان انعکاس می‌یابد.

مقایسه یافته‌های پژوهش با شاخص‌های پذیرفته‌شده روان‌شناختی نیز نشان داد که میان دو رویکرد، همگرایی قابل توجهی در مؤلفه‌هایی مانند امید، پایداری، تنظیم هیجان، استمرار رفتار هدفمند و سازگاری فعال وجود دارد. با این حال، الگوی قرآنی با افزودن مؤلفه‌هایی همچون حکمت الهی، غایت‌مندی ابتلاء، توکل، دعا، اخلاص، تعالی اخلاقی و مسئولیت اجتماعی مبتنی بر ایمان، چارچوب گسترده‌تری برای تبیین تاب‌آوری ارائه می‌دهد. از این منظر، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که الگوی قرآنی می‌تواند به عنوان مکمل نظریه‌های روان‌شناختی مورد استفاده قرار گیرد و افق‌های جدیدی را در مطالعات میان‌رشته‌ای علوم قرآن، الهیات و روان‌شناسی بگشاید.

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش، ارائه مدلی مفهومی از تاب‌آوری معنوی بر پایه تحلیل شبکه‌ای مفاهیم قرآنی بود. در این مدل، تاب‌آوری نه یک ویژگی ایستا، بلکه فرآیندی پویا و خودتقویت‌کننده تلقی می‌شود که از معنابخشی به بحران آغاز شده و با رشد معنوی و ارتقای ظرفیت‌های فردی و اجتماعی تداوم می‌یابد. این مدل می‌تواند مبنایی برای توسعه نظریه‌های بومی در حوزه سلامت روان، مشاوره مبتنی بر معنویت، آموزش‌های دینی و سیاست‌گذاری فرهنگی باشد و زمینه طراحی برنامه‌هایی را فراهم آورد که متناسب با نظام ارزشی و فرهنگی جوامع اسلامی باشند.

از نظر کاربردی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بهره‌گیری از مؤلفه‌های استخراج‌شده می‌تواند در تدوین برنامه‌های آموزشی برای ارتقای مهارت‌های مقابله با بحران، طراحی الگوهای مشاوره مبتنی بر آموزه‌های اسلامی، تقویت سرمایه اجتماعی، افزایش مشارکت عمومی و ارتقای سلامت روان در شرایط دشوار مؤثر باشد. همچنین، الگوی ارائه‌شده ظرفیت آن را دارد که در مطالعات آینده به‌عنوان چارچوبی نظری برای بررسی تاب‌آوری در گروه‌های مختلف اجتماعی، سازمانی و آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.

با وجود دستاوردهای پژوهش، برخی محدودیت‌ها نیز وجود داشت. تمرکز این مطالعه بر تحلیل کیفی آیات و مقایسه مفهومی با شاخص‌های روان‌شناختی، امکان آزمون تجربی مدل پیشنهادی را فراهم نمی‌کرد. همچنین، پژوهش حاضر بر آیات مرتبط با ابتلاء تمرکز داشت و سایر مفاهیم قرآنی مرتبط با سلامت روان و سازگاری اجتماعی به‌صورت مستقل بررسی نشدند. از این‌رو، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آینده، مدل استخراج‌شده با استفاده از روش‌های کمی و ابزارهای سنجش روان‌شناختی مورد آزمون قرار گیرد و همچنین امکان طراحی مقیاس‌های بومی سنجش تاب‌آوری معنوی مبتنی بر آموزه‌های قرآن کریم بررسی شود. علاوه بر این، مطالعه تطبیقی الگوی پیشنهادی با سایر سنت‌های دینی و فرهنگی می‌تواند به غنای ادبیات میان‌رشته‌ای این حوزه کمک کند.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که قرآن کریم با ارائه الگویی نظام‌مند از مواجهه انسان با ابتلاء، ظرفیت ارزشمندی برای تبیین علمی مفهوم تاب‌آوری معنوی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد. این الگو با تأکید هم‌زمان بر اصلاح نگرش، مدیریت هیجان، مسئولیت‌پذیری رفتاری و رشد معنوی، چارچوبی جامع برای فهم نحوه عبور انسان از بحران‌های فردی و اجتماعی فراهم می‌سازد و می‌تواند مبنای توسعه پژوهش‌های آینده در حوزه علوم قرآن و گرایش‌های مرتبط با الهیات قرار گیرد.

مراجع

- [1] شریفی ص. معناشناسی هم‌نشین‌های واکنشی واژه «ابتلاء» در قرآن (بر اساس نظریه میدان‌های معنایی). *علوم قرآن و حدیث* 1402، ۵۰: (۱).
- [2] مقاله پژوهشی درباره سنت ابتلاء، امتحان و تمحیص در قرآن کریم (نمایه‌شده در SID).
- [3] Smith BW, Dalen J, Wiggins K, Tooley E, Christopher P, Bernard J. *The Brief Resilience Scale: Assessing the Ability to Bounce Back*. International Journal of Behavioral Medicine. 2008;15(3):194-200.
- [4] Connor KM, Davidson JRT. *Development of a New Resilience Scale: The Connor-Davidson Resilience Scale (CD-RISC)*. Depression and Anxiety. 2003;18(2):76-82.
- [5] Pargament KI. *Religion and Coping: The Current State of Knowledge*. Current Opinion in Psychology. 2021;40:1-5.
- [6] Southwick SM, Bonanno GA, Masten AS, Panter-Brick C, Yehuda R. *Resilience Definitions, Theory, and Challenges: Interdisciplinary Perspectives*. European Journal of Psychotraumatology. 2014;5:25338.
- [7] Ungar M. *Systemic Resilience: Principles and Processes for a Science of Change in Contexts of Adversity*. Ecology and Society. 2018;23(4):34.